

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نقش و جایگاه زن در تاریخ تمدن اسلامی – ایرانی

نویسنده:

فاطمه پنجه علی ، رقیه زارع نژاد صباحی ، فاطمه جعفری کلیبر

گردآوری و تدوین: دکتر نرگس شکر بیگی

به سفارش دفتر امور بانوان و خانواده دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه

بهار ۱۴۰۵

پیشگفتار:

نیمه پنهان تاریخ، همواره درخشان‌تر از آن چیزی است که در صفحات نوشته‌شده به چشم می‌خورد. تمدن اسلامی-ایرانی، با همه عظمت و گستردگی خود، در روایت‌های رایج، غالباً از منظر نیمه مردانه خود بازنموده شده است؛ درحالی‌که نیمه دیگر، یعنی زنان، نه تنها در سایه نبوده‌اند، بلکه در بسیاری از حساس‌ترین مقطع‌های تاریخی، پیشگام و تأثیرگذار ظاهر شده‌اند. آنچه در این نوشتار پیش روی شماست، کوششی است برای واکاوی دوباره این نقش موثر تاریخ ایران و اسلام.

اسلام، با نزول آیاتی که خطاب‌های خود را متوجه «مؤمنان و مؤمنات» ساخت و با قراردادن سوره‌ای مستقل به نام «نساء»، بنیان نگرش جاهلی به زن را یک‌باره فرو ریخت. قرآن کریم، زن را در گوه‌ر ایمان و تقوا هم‌تراز مرد معرفی کرد و با اعطای حقوقی چون مالکیت مستقل، بیعت سیاسی، حق امان‌دادن و حضور در معرکه‌های علمی و نظامی، او را از یک شیء تحت قیمومت، به یک کنشگر اجتماعی صاحب‌اراده تبدیل نمود. این تحول شگرف، در رفتار و سیره پیامبر اعظم (ص) و بانوان صحابی به‌روشنی نمود یافت؛ زنانی که در جنگ‌ها به مداوای مجروحان می‌پرداختند، در قراردادهای سیاسی مشورت می‌دادند، در پناه‌دادن به مخالفان جرأت می‌ورزیدند و در انتقال حدیث و علوم دینی، نقش آفرینانی بی‌بدیل بودند.

با این حال، سیر نزولی جایگاه علمی و سیاسی زنان در قرون بعدی، پرسش‌های مهمی را پیش روی پژوهشگران نهاده است. چه عواملی سبب شد که از میان صدها راوی زن صدر اسلام، در منابع رجالی متأخر، تنها نام‌هایی اندک و اشاره‌هایی مختصر باقی بماند؟ آیا این افول، ریشه در تعالیم دینی داشت یا زائیده سیاست‌های قدرت، انسداد اجتهاد، جریان‌های صوفی‌زده اخباری‌گر و غلبه تفکر مردسالارانه بر تاریخ‌نگاری بود؟ آنچه از بررسی تطبیقی منابع کهن و پژوهش‌های نوین به‌دست می‌آید، نشان می‌دهد که اسلام ناب، هیچ‌گاه مانعی بر سر راه علم‌آموزی و کنشگری اجتماعی زنان نهاده است، بلکه این سدها را سنت‌های پسینی ساخته‌شده در بستر فتح‌ها، منازعات فرقه‌ای و تحولات سیاسی، بر جاده دانش زنان گسترانده‌اند.

شکوفایی دوباره این نقش در انقلاب اسلامی ایران، مؤید آن است که هرگاه جامعه اسلامی به سرچشمه‌های ناب خود بازگشته، زنان نیز هم‌پای مردان در عرصه‌های حساس حضور یافته‌اند. بانوانی که در پیکار پیروزی و سپس در هشت سال دفاع مقدس، از مادران شهید تا زنان مجاهد خط مقدم، نشان دادند که تمدن زنده، بدون حضور پویا و متعهد نیمه دوم خویش، به سرانجام نمی‌رسد. امروز نیز درخشش زنان دانشمند ایرانی در عرصه‌های نانو، پزشکی، فلسفه و کارآفرینی، ادامه‌ی همان مسیری است که نیاکان ما چون رابعه‌ی عدویه، مریم اسطرلابی و ستیة المحاملی در آن گام نهادند؛ مسیری که با دفاع جانانه از هویت ملی و دینی، چون واقعه‌ی دفاع پرورسور مریم رزاقی آذر از نام خلیج فارس، عجین شده است.

پژوهش حاضر، با تکیه بر منابع اصیل تاریخی و رجالی و با بهره‌گیری از اسناد علمی معاصر، در پی آن است که ضمن بازنمایی چهره واقعی زن مسلمان ایرانی در طول تاریخ، به این پرسش بنیادین پاسخ گوید: چگونه می‌توان از آموزه‌های ناب اسلامی، الگویی از زن تراز تمدن‌ساز ارائه داد که در عین پای‌بندی به حریم‌های الهی، در علم، سیاست و تعالی اجتماعی، پیشرو و تأثیرگذار باشد؟ امید است این نوشتار، گامی هرچند کوچک در جهت بازنویسی تاریخ از منظر عدالت معرفتی و بازشناسی سهم سترگ زنان در تمدن فاخر ایرانی-اسلامی به‌شمار آید.

مقدمه

نحوه مشارکت و حضور اجتماعی زنان در طول تاریخ همواره حساسیت مخصوص به خود داشته‌است به طوری که با ظهور هر پیامبری، تغییرات خاصی به نفع حقوق زنان صورت گرفته‌است؛ مثلاً در پرتو آیین مسیحیت، حمایت از بیوه زنان افزایش یافت و حضور اسلام، نوآوری و تحول خاصی در این حوزه به وجود آورد و از همان ابتدا زنده به گور کردن و سوء رفتار با دختران ممنوع شد و قوانینی وضع نمود تا بر اساس آن زنان متأهل از حمایت و حقوق بیشتری برخوردار شوند. در پرتو جنبش‌ها و نهضت‌های فمینیستی ظهور یافته از ابتدای سده بیستم و همچنین افراط و تفریط‌های گسترده در خصوص مشارکت زنان، مسئله مشارکت اجتماعی زنان از نظر و دیدگاه آخرین دین آسمانی، اسلام از اهمیت خاصی برخوردار شده است. با مراجعه به آیات قرآن و سنت نبوی می‌توان الگوی مشارکت اجتماعی زنان را از منظر اسلام ترسیم نمود که به دور از سوء استفاده‌ها و شالوده شکنی‌های موجود در جامعه بشری است. چارچوب نظری مقاله مبتنی بر الگوی مشارکت اجتماعی زنان در نظر و عمل حضرت امام خمینی(ره) است که رویکردی مبتنی بر احکام وحی و سنت پیامبر(ص) و دستاوردهای فقهی است. زنان یکی از مهم‌ترین گروه‌های اجتماعی متأثر از کیفیت زندگی در عین حال موثر بر آن هستند. این گروه عظیم اجتماعی از آنجا که ارتباط موثری با گروه‌های اجتماعی جامعه دارند، علاوه بر وظایف شخصی و خانوادگی نقش فعالی در پیشرفت‌های اجتماعی و توسعه پایدار آن ایفا می‌کنند. زنان نقش بسیار حساس و تعیین کننده‌ای در فعالیت‌های اجتماعی دارند، آنان برای تسریع روند توسعه پایدار جامعه، مسئولیت بسیار جدی و تعیین کننده‌ای برعهده دارند و به این امر مهم پی برده‌اند که ضرورت ایجاد جامعه سالم در مشارکت آنان است. حدود نیمی از جمعیت شاغلان را زنان تشکیل می‌دهند. لذا زنان در جامعه با هدف توسعه، نقش حساسی ایفا می‌کنند، از این رو در تحول همه جوامع انسانی، عاملی بنیادی محسوب می‌گردند (اجتماعی و هاشمی، ۱۳۸۸).

زنان، بخشی از جامعه انسانی‌اند که در حوزه ایمان و کمال، تفاوتی با مردان ندارند و گاه به چنان مقامی دست می‌یابند که مردان باید از آنان درس تقوا، شجاعت، دیانت و خضوع در برابر پروردگار یاد

بگیرند. قرآن کریم در يك دعوت عمومي مي فرمايد: يا ايها الذين آمنوا، وراه کمال را با استمرار حرکت در مسیر ایمان، برای هر زن و مرد ترسیم مي کند و مثال هايي از افراد نمونه را که در آن هم سخن از مرد است و هم زن برای عبرت افراد جامعه مثال مي زند تا راه صعود به قله بلند ایمان برای زن و مرد روشن تر شود. زناني از همين جامعه دعوت شده بوده اند که با تربیت نفس خویش و حرکت در راه رضایت محبوب، چنان ذوب در معشوق شوند که از آنان باید به عنوان الگو نام برد.

زن موجودی است مزین به اسرار و شگفتي های فراوان و در سایه این شگفتي ها زندگي عالم بشریت در تکاپو و تداوم است. زنان دارای لطافت و ظرافت و احساس فوق العاده زیبایی هستند که این خصوصیت و اوصاف آنان سبب برجستگی و سرآمدی آنها نسبت به دیگر موجودات شده است. کلمه "زن" از "زادن" و "زاییدن" و "اضافه شدن آمده است که معني زندگي بخش و زنده بودن مي دهد. زن همواره با توجه به تمدن در دوره های مختلف در طول تاریخ دارای ارزش و احترام بوده و از دیر باز جایگاه و پایگاه متغیری در جهان داشته است. زنان در پیشرفت تمدن ها و ترقی فرهنگ ها پا به پای مردان تلاش کرده اند. زن موجودی است مهم و برای دستیابی به کمال نیازمند وجود اوست و همینطور برعکس، زیرا هر کدام بدون دیگری ناقص هستند و تنها در کنار هم می توانند به کمال برسند. زنان در طول تاریخ گاه مورد احترام و ارزش بوده و گاهی مورد ظلم و بی مهری قرار گرفته اند. اسلام بت جاهلان مردگرایی را شکسته و ضمن احترام کامل به خصوصیات و عواطف و احساسات زنان، راه رشد و تعالی آنان را در تمامی عرصه ها گشوده است. برگه های زرین زمان یکی پس از دیگری فرو می ریزند و تاریخ کوله بار فراگرد راهش را به پیش می برد. در پژوهش حاضر، هدف گذری کوتاه بر نگاه های مختلف به زن در طول تاریخ می باشد (حیدری و ابراهیمی نسب، ۱۳۸۹)

زن مسلمان از دیدگاه اسلام

زن در تابلویی که قرآن کریم در آیه ۳۵ سوره احزاب ترسیم می کند، نیمه واقعی امت اسلامی است. و سهم او در طی مدارج انسانی چون نقش و سهم مردان، تعیین کننده است. این نکته را پیامبر اسلام - صلی الله علیه وآله - در پاسخ أسماء دختر عمیس و دیگر زنان مدینه گوش زد کرده بود. علامه طباطبایی تأکید می کند زن از برکت اسلام مستقل به نفس و متکی بر خویش گشت، اراده و عمل او که تا ظهور اسلام گره خورده به اراده مرد بود، از اراده و عمل مرد جدا گردید و از تحت ولایت و قیمومت مرد درآمد، و به مقامی رسید که دنیای قبل از اسلام با همه قدمت خود و در همه ادوارش، چنین مقامی به زن نداده بود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۴۱۴). دیگر متفکران مسلمان نیز بر این تحول و تغییر شگرف اسلامی تأکید دارند (مطهری ۱۳۸۳: ج ۸۱/۱۹؛ نوال سعداوی و هبه رئوف، ۷۱- ۱۳۸۴: ۶۷). طبق روایت صحیح بخاری و مسلم، عمر بن خطاب خلیفه دوم نیز، تفاوت و تغییر رویکرد

عرب جاهلی و جامعه محمدی را -صلي الله عليه و آله- به زنان گوشزد کرده است. او به صراحت می‌گوید: « ما در دوران جاهلیت زنان را به هیچ می‌انگاشتیم و اسلام و قرآن بود که حقوق زنان بر مردان را به رسمیت شناخت...» در روایت دیگر، عبدالله فرزند عمر نیز تصریح می‌کند در عصر پیامبر (ص) از ترس آنکه در باره ما وحی نازل شود، زبان و رفتارمان را نسبت به زنان مهار می‌کردیم (عزیزی، ۱۳۹۴).

هنگامی که نور اسلام درخشیدن گرفت، زن را از افکار جاهلی خلاصی بخشید و به عروج ملکوتی و افق‌های روشن نایل گردانید. آری، زن حقیقتی است که در طول تاریخ فراز و نشیب‌های فراوانی تحمل کرده و از زنده به گور شدن تا خدایی شدن را به خود دیده است. آنگاه که اسلام در آسمان تاریخ جاهلیت درخشید، به زن عزت بخشید. فرزند دختر را حسنه و برکت خواند و زنان را ریحانه معرفی کرد. زن غیر از حقیقت انسانی، چهره‌های مختلف دیگری را نیز در خود نهفته دارد که باید آن جلوه‌های مختلف کشف و آن صورت‌های گوناگون هویدا شود تا آن گونه که هست، شناسایی و معرفی گردد.

زنان، بخشی از جامعه انسانی اند که در حوزه ایمان و کمال، تفاوتی با مردان ندارند و گاه به چنان مقامی دست می‌یابند که مردان باید از آنان درس تقوا، شجاعت، دیانت و خضوع در برابر پروردگار بگیرند. قرآن کریم در یک دعوت عمومی می‌فرماید: یاایها الذین آمنوا، و راه کمال را با استمرار حرکت در مسیر ایمان، برای هر زن و مرد ترسیم می‌کند و مثال‌هایی از افراد نمونه را که در آن هم‌سخن از مرد است و هم‌زن برای عبرت افراد جامعه مثال می‌زند تا راه صعود به قله بلند ایمان برای زن و مرد روشن‌تر شود (حیدری و ابراهیمی‌نسب، ۱۳۸۹).

زنانی از همین جامعه دعوت شده بوده‌اند که با تربیت نفس خویش و حرکت در راه رضایت محبوب، چنان ذوب در معشوق شوند که از آنان باید به عنوان الگو نام برد. در این راستا، آسیه بانویی نمونه و الگویی برای زن و مرد در نفی ستمگری، شرك و کفر و نیز گرایش به توحید و یکتاپرستی است. درحقیقت هر کس در اثبات این حقیقت تلاش کند، ظلم را درهم شکند و برای رسیدن به مقام قرب الهی استقامت ورزند، الگو است. آسیه در خانه‌ای زندگی می‌کند که صاحب آن خانه (فرعون)، ادعای انا ربکم الاعلی دارد و شعار ما علمت لکم من‌اله غیري سرمی‌دهد و این زن در میان این ادعا و شعار، سخن از توحید می‌گوید و برای نفی بیدادگری، وحشیانه‌ترین شکنجه‌ها را تحمل می‌کند، تا آنجا که نامش زینت بخش قرآن می‌شود. این درحالی است که فرعون مردی است که لایق نام انسان هم نیست. مریم، در میان بسیاری از مردان، چنان لیاقتی می‌گیرد که چون مادرش پس از تولد مریم به پروردگار می‌گوید: وانی اعینها بك و ذریتها من الشیطان، خدایا! من، این دختر و فرزندانش را از شر

شیطان، به تو پناه دادم، خداوند پاسخش می دهد: (سوره مبارکه آل عمران آیه ۳۷) پس خداوند، او را به نیکویی پذیرفت. در صورتی که پروردگار درباره سایر مردم می فرماید: (سوره مبارکه مائده، آیه ۲۷)، اینجا سخن از پذیرفتن عمل است و در خصوص حضرت مریم، گوهر ذات عامل قبول می شود. مریم يك زن است که پروردگار او را می پذیرد و در موردش می می فرماید: (سوره مبارکه آل عمران، آیه ۳۶)، هرگز پسر، جوهره این دختر را ندارد و هرگز از مرد، کار این زن بر نمی آید. مرد، بدون زن نمی تواند فرزندی به دنیا آورد. مریم بدون مرد، عیسی را به دنیا آورد و از او الگویی برای جامعه بشری ساخت. این يك خصلت زن است که بدون او، جامعه رو به نیستی می رود و با بودن اوست که موسی از آب، گرفته می شود و در دامن رشد می نماید تا راهبری شود که آن همه عظمت را مدیون مادر خویش است. خود پیدا است که زن، با سیر در مسیر الهی، لایق دریافت وحی می شود و این لیاقت، خود گواهی بر مدعای تساوی زن و مرد در پهنه ایمان و تقواست. آدم خلیفه الله نبود، بلکه مقام انسانیت، مشخصه خلیفه الله است و انسانیت به مرد یا زن بودن نیست. گاه مرد بر زن ممتاز می شود و گاه زن بر مرد، گاه مردی برای سایر مردان و گاه يك زن برای سایر زنان، الگو می شود. درحقیقت همه این نمونه ها، الگو برای مردمند. چه این که مریم، آسیه، الگوهای برای جامعه انسانی اند و همه از زن و مرد باید از آنان درس معرفت و دین و ایمان بگیرند و آنگاه که زنی فاطمه شد، هم برای مردان و هم برای جامعه زنان الگوست و برای همه نیز پیروی از فاطمه (س) ارزشمند است و زنانی که از فاطمه (س) تبعیت کنند، خود نیز نمونه هایی از مردم نمونه اند که گاه رتبه ای بالاتر از مردان می یابند و مردان نیز باید از آنان الگو بگیرند. (حیدری و ابراهیمی نسب، ۱۳۸۹).

جایگاه زن در تاریخ اسلام

یکی از موضوع های مهمی که در باره نقش تقلیل گرایانه زن مسلمان در تاریخ، به کمک فهم ما می آید، محتوا و دامنه اطلاعات مربوط به زنان است که ادبیات مکتوب تاریخی ما، در اختیار قرار می دهد. آنچه در منابع تاریخی و تراجم و رجال سده های سه تا چهارده هجری دیده می شود، در قیاس با تاریخ فراگیر مردان، به استثنای شماری از همسران و دختران پیامبر-صلي الله عليه وآله- و شمار اندکی دیگر از زنان نامدار، صرفا اشارهای کوتاه و مختصر به زنان راوی، زنان رجال دینی و سیاسی یا زنان يك قبیله و قوم خاص و یا برخی زنان مشهور، خصوصا زنان شاعر و سخنور و خنیاگر. این نکته را در چند اثر کهن و مهم تاریخی مرور می کنیم:

عمر بن شبه نمیری بصری (ف ۲۶۲ق) تنها در جلد چهارم کتاب تاریخ المدینه، ذیل تاریخ زندگی عثمان به جایگاه و نقش شماری از شخصیت های زن صدر اسلام؛ از جمله، صفیه ام المؤمنین، ام حبیبه ام

المؤمنين، عايشه، نائله همسر عثمان، همسر مالك اشتر، اسماء بنت ابي بكر، و أسماء دختر عميسي اشاره کرده است. بازتاب انبوه اخبار نقش زنان سده اول هجری با اخبار زنان سده دوم و سوم در تاريخ محمد بن جرير طبری (ف ۳۱۰ هـ) قابل مقایسه نیست.

اخبار زنان در کتاب المنتخب من ذیل المذیل طبری نیز همین تفاوت را نشان می‌دهد. این کتاب که پیوست تکمیلی بر تاريخ بزرگ وی است، چکیده گونه ای است بر اخبار زنان صدر اسلام در طبقات ابن سعد که در آن به شماری از همسران، دختران، عمه های پیامبر(ص) و تعدادی از زنان مهاجر، و زنان راوی پیامبر(ص) اشاره کرده است.

جلد چهارم کتاب عیون الاخبار ابو محمد عبدالله بن مسلم ابن قتیبه النحوی الدینوری (ف ۲۷۶ق) در باره زنان است. این بخش يك جنگ ادبي، تاريخي، اخلاقي و رفتارشناختي درباره زنان است. رویکرد عمومي این مطالب درباره جامعه زنان چندان افتخارآمیز و غني نیست. در کتاب المعارف، ابن قتیبه نیز اطلاعات تاريخي محدودی در باره مادر بزرگان پیامبر(ص)، همسران و دختران آن حضرت و نیز همسران، مادران و دختران خلفا و برخي از زنان معروف مانند سمیه، مادر عمار می‌توان یافت.

کتاب الاصابه ابن حجر، دائره المعارف بزرگ تاريخ و تراجم زنان صدر اول به شمار می‌رود. او در این کتاب به تفصیل بي سابقه در باره تفاوت زنان صحابه از دیگران پرداخته و آگاهی‌هایی در باره زنان ارائه کرده است. گزارش ابن حجر در کتاب تهذیب التهذیب، نشان می‌دهد راوی معتبر احادیث در جوامع اصیل اهل سنت هستند. در مجلد ۲۴ معجم رجال الحديث مرحوم آیت ا... خویی نیز حدود ۱۳۰ راوی زن شيعي به چشم می‌خورد. پر واضح است که این عدد با صدها راوی مرد در جوامع روایي شيعه قابل قیاس نیست.

جایگاه زن در قبل و بعد از اسلام را در دو بعد می‌توان مورد بررسی قرار داد:

۱. خانواده

خانواده در اسلام دارای اصالت و جایگاه بالایی است که در وضع حقوق، بقای خانواده بر منافع اشخاص مقدم است، به همین جهت در این بخش به سه مبحث ازدواج، طلاق، و چند همسری قبل و بعد از اسلام می‌پردازیم.

الف. ازدواج زنان

با رجوع به اسناد تاريخي متعدد، گزارشات اسف بار و تاریکي از وضعیت زن و خانواده در عصر جاهلي بدست می‌آید که یکی از آنها انواع ازدواج های ظالمانه عرب جاهلي است که زن در آن یا حق انتخاب نداشت و یا دارای کمترین حق انتخاب بوده است که یکی از آنها نکاح ضیzen است که وقتی شوهر از دنیا می‌رفت پسر بزرگ آن مرد، زن را به تصاحب خود در می‌آورد یا با او ازدواج می‌نمود یا مانع ازدواج

او می شد تا زن بمیرد و میراث او را تصاحب کند، اما با ظهور اسلام همه این رسوم جاهلی کنار زده شد و دختر حق انتخاب پیدا کرد، البته این حق رأی در دختران باکره به دلیل نداشتن تجربه یا غلبه عواطف در امر ازدواج به اجازه ولی منضم شده است تا زندگی زناشویی استحکام بیشتری یابد. نکته قابل توجه اینکه بر خلاف سنت های جاهلی که ولایت بر زن به دست پدر، برادر، عمو و یا پسر عمو و گاهی مادر بود، در اسلام ولایت دختر باکره تنها به دست پدر و جد پدری داده شد تا دایره آزادی زن گسترش یابد، (همان، ۱۳۹۰، ص ۴۱) اینکه قرآن می فرماید: (مردان بر زنان قیمومت دارند) به معنای بردگی زنان نیست چرا که قیم به کسی می گویند که به امور دیگری می پردازد (ابن منظور، ۱۴۰۵).

ب. طلاق

قبل از اسلام حق طلاق منحصر به مرد بود و به آسانی انجام می شد و غالباً از روی غضب و جهالت و با هدف تنبیه یا انتقام جویی از زن و قبیله او صورت می گرفت، به طوری که مرد در مورد زنی که می خواست طلاق بدهد، می گفت: (انا لاعب بها حتي تذوقالذله؛ با سرنوشتش بازی می کنم تا ذلت را به او بچشانم) در این حالت مرد پیش از اتمام عده به زن رجوع می کرد و دوباره طلاق می داد و زن را در بلا تکلیفی نگه می داشت، (بلاذری، ۱۴۱۷) اما اسلام افزون بر سخت گیری در امر طلاق، آن را مبعوض ترین حلال و آخرین راه حل معرفی نمود و شرایط زیادی برای آن قرار داد تا این امر به دور از عصبانیت و هیجان، و بر پایه عقل و مصلحت انجام گیرد و این حق را به زنان نیز اعطا نمود و در مواردی مانند ناتوانی جسمی یا روحی مرد می توانند از این حق استفاده کنند (کریمی، ۱۳۸۵).

۲. جامعه: همان گونه که بیان شد زنان در زمان جاهلیت جایگاه والایی نداشتند و جنس درجه دو محسوب می شدند و از حقوق بسیاری محروم بودند، لذا در این بخش به نقش اسلام در پر رنگ کردن حضور زنان در جامعه، با دو موضوع بیعت و امان دادن می پردازیم.

الف. بیعت: بیعت از مهمترین و موثرترین جلوه های مشارکت سیاسی در صدر اسلام است و به معنای رأی دادن به پیامبری حضرت محمد صلی (الله علیه و آله وسلم) نیست بلکه بالاتر از آن به معنای عمل کردن به فرامین و حمایت از شخص ایشان با جان و مال است، و اهمیت آن به قدری است که قرآن می فرماید: (خداوند از مؤمنان هنگامی که در زیر آن درخت با تو بیعت کردند راضی و خشنود شد) و در آیه دیگر می فرماید: (کسانی که با تو بیعت می کنند (در حقیقت) تنها با خدا بیعت می نمایند، و دست خدا بالای دست آنهاست... و آن کس که نسبت به عهده که با خدا بسته وفا کند، بزودی پاداش عظیمی به او خواهد داد)، برای درک بهتر اهمیت و ارزش بیعت در صدر اسلام می توان به تأثیر رأی گیری های امروزه توجه نمود که باعث بقاء یا تغییر حکومت ها می شود و سرنوشت ملت ها را تعیین می کند، به

همین جهت صاحب نظران ارزش برخی از این بیعت ها را به اندازه جنگ بدر دانسته اند (الجوزی، ۱۴۱۵).

ب. امان دادن: پناه دادن به مخالفان، یکی دیگر از جلوه های مشارکت سیاسی است که در صدر اسلام به دستور این آیه قرآن که می فرماید: (اگر یکی از مشرکین از تو پناه خواست، او را پناه ده تا کلام خدا را بشنود)، اجازه آن به مؤمنان داده شد و زنان نیز چون مردان از این حق بهر مند گردیدند و حق استفاده از این ظرفیت سیاسی را پیدا کردند، و زنانی چونام هانی و زینب دختر پیامبر صلی (الله علیه وآله وسلم) از این حق استفاده کردند و افرادی را که می خواستند پناه دادند و پیامبر صلی (الله علیه وآله وسلم) نیز امان آنها را پذیرفت و این حقی است که امروزه دمکرات ترین حکومت ها نه برای زنان بلکه هنوز برای عموم مردان خود نیز نپذیرفته اند. اسلام به خاطر جایگاه بالایی که برای هر مسلمان از هر جنسی که باشد قائل است این حق را برای آنان به رسمیت شناخت.

در تاریخ اسلام همواره زنان در عرصه های مختلف سیاسی، اجتماعی و دینی نسبت به مردان، در جایگاه پایین تری بوده اند. عوامل مختلف دینی و عرفی بسیاری باعث عدم مشارکت فعالانه زنان در امور سیاسی و دینی در جهان اسلام در طول قرون بوده و مسائل بگرنج و پیچیده مرتبط با این امر، همواره مورد بحث دانشمندان نظام های مختلف عقیدتی و اجتماعی بوده است. در مقام مقایسه، زنان در بین فرق و حکومت های مختلف اسلامی، در بین فاطمیان و اسماعیلیان در موقعیت های دینی و سیاسی، جایگاه متفاوت و نسبتاً والاتری داشته اند. این نکته از نوشته های بعضی گروه های اسماعیلی بر می آید که وضعیت زنان در نزد اسماعیلیان از جهت حقوق اجتماعی، در مرتبه ای بالاتر از زنان هم عصر خود نزد فرق و ملت های دیگر بوده است. آنان دارای آزادی نسبی بودند و همین آزادی موجب شده که در چشم متعصبان سنی مذهب به هرزگی و فسق متهم شوند (لوئیس، ۱۳۷۰: ۱۴۱).

نقش زنان در تمدن اسلامی

اگر چه تعداد فراوانی های این معرف کم است اما با توجه به معانی و اوصافی که در گفتار حضرت امام (س) درباره نقش اساسی و ویژه زن در جامعه وجود دارد. میزان اهمیت این معرف بسیار است. زنان سرچشمه صلاح و یا فساد در هر جامعه ای هستند و لذا نقش آنها در جامعه بالاتر از نقش مردان است. زیرا آنها علاوه بر اینکه خود در تمام ابعاد سیاسی - اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی فعال هستند، قشرهای فعال را نیز در دامن خود تربیت می کنند، آنها می توانند انسانهایی تربیت نمایند که دارای استقامت و برخورداری از ارزشهای والای انسانی باشند و یا در مقابل انسانهایی سست عنصر و غیر انسان تربیت کنند، پس هم صلاح جامعه و هم فساد آن در دست زنان است. و در يك جامعه اسلامی زنان متعهد اساس آن ملت و جامعه هستند (حیدری و ابراهیمی نسب، ۱۳۸۹).

به طور کلی نقش زنان در تمدن اسلامی را می توان چنین بررسی نمود:

۱- انگیزش سیاسی، فرهنگی و اقتصادی: همانطور که گفته شد زنان در موضوعات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی که اباد تمدن اسلامی به شمار می روند؛ از طریق جهت دهی انگیزش ها، تاثیر بر اندیشه ها و تغییر رفتارها و مقیاس های خانواده، جامعه و جهان نقش آفرینی می کنند. زنان با تحريك نظام احساسات و ایجاد انگیزه در جهت پیروزی حق بر باطل ابتدا بر اعضای خانواده خویش و در گام بعد بر افراد جامعه در سطح اجتماع، به زمینه سازی در جهت تحقق انقلاب اسلامی گام برداشتند که می توان این امر را ذیل انگیزش سیاسی زنان در سطح جامعه، خانواده قرار داد. نقش آفرینی زنان از طریق تاثیر بر موازنه قدرت بین اسلام و کفر به نفع اسلام نیز از مصادیق انگیزش سیاسی زنان در مقیاس جهانی یاد می شود (یاسری و اخوان نیلچی، ۱۳۹۶).

۲- اندیشه دهی سیاسی، فرهنگی و اقتصادی: یکی از عوامل زمینه ساز تمدن اسلامی هماهنگی میان بینش و اندیشه انسان های تراز انقلاب اسلامی با ارزش های دینی و آرمان های والای انقلاب اسلامی می باشد. براین اساس زنان علاوه بر تهییج و تشویق اراده های انسانی نقش مهمی در آگاهی بخشی و ارتقا سطح درك افراد جامعه نسبت به تمایز وضع موجود و مطلوب سیاسی، فرهنگی و اقتصادی در جهت شکوفایی تمدن اسلامی ایفا می نمایند (همان، ۱۳۹۶).

۳- تاریخ و تاریخ نگاری اسلامی: آثار نخستین نویسندگان مسلمان در باره زنان، نشان می دهد که اهل علم، به نقش اجتماعی زنان؛ به ویژه نقش فکری و علمی آنان، توجه ویژه داشته اند (عزیزی، ۱۳۹۴). توجه ستودنی مورخان و اخباریان سده های نخست به تكم نگاری های تاریخ ادبی و اجتماعی زنان، نشان از نوعی تحرك و نشاط اجتماعی زنان در این دوران ها دارد؛ نشاطی که از سویی، نقش اجتماعی، علمی، فرهنگی و هنری آنان را به نمایش گذاشت و از سوی دیگر، راویان و مورخان را به ثبت و ضبط آن نقش واداشت. در چنین شرایطی، می توانست تمام یا بخشی از این ثبت و ضبط با همه مزیت هایی که داشت، به دست توانمند زنان اتفاق بیفتد و دست کم، آنان نیز زمامداران روایت و تاریخ نگاری جامعه خویش باشند؛ اما چنین نشد و چنانکه گفتیم، این مردان بودند که در فضای شور و نشاط تدوین و شوربختانه در «غیبت کبرای» زنان، از نیمه قرن دوم به روایت و ثبت نقش زنان پرداختند (همان، ۱۳۹۴).

۴- انقلاب اسلامی ایران: اسلام برخلاف جوامع و تمدن جاهلی که زنان را حقیر و ضعیف و دون شمرده و آنان را در خدمت ابتذال و فساد گرفته بود، به زنان، شخصیتی با کرامت و مقامی والا بخشید. این مقام و منزلت، توأم با فداکاری و ایثار، در پرتو انقلاب اسلامی تجلی یافت و عطر شکوفایی این موجود بزرگوار با فضیلت، جهانیان را به شگفت آورد. زن مسلمان ایرانی نیز در این سال های نبارزه، همگام با

مردان در جهاد و مبارزه با طاغوت بود و هر چه به سال ۱۳۵۷ نزدیک می شد بر تعداد و بر شدت فعالیت زنان افزوده می شد. این حضور زنان در عرصه انقلاب اسلامی تا آنجاست که از سوی خبرگزاری ها و تحلیل گران، انقلاب اسلامی به «انقلاب چادرها» نام گرفت (یاسری و اخوان نیلچی، ۱۳۹۶).

۵- همکاری زنان در بنای پایگاه فعالیت سیاسی: زنان صحابی رسول اکرم (ص) در امر ساختن مسجد پیامبر (ص) پایگاه فعالیت دینی و سیاسی رسول الله (ص) نیز شرکت کردند، این مطلب در برخی از منابع آمده در کتاب «کاشف الاستار عن زوائد البزار» آمده: زنان در حمل سنگ های بنای مسجد شبها مشارکت داشتند و مردها در روز و این مطلب مشارکت سیاسی، اجتماعی و عبادی زنان بود که تأمل در آن نشان می دهد که امری بسیار مهم بود، خصوصاً پس از دوران جاهلیت عرب که زن را تحقیر میکرد و در امور مهم دخالت نمی داد. گزارش ها نشان می دهد که در اسلام زنها با حفظ حجاب اسلامی و جداسازی محیط از مردان اینگونه فعالیت سیاسی، اجتماعی و دینی داشتند (ر.ک. عاملی، ۱۴۱۵ ق ج: ۴، ص ۲۲۳).

۶- نقش زنان در جنگ ها: بسیاری از زنان صحابی پیامبر اکرم (ص) در جنگ ها برای کمک به لشکریان، آبرساندن به سربازان و مداوا نمودن زخمیها شرکت میکردند و از این راه نیز حضور خود را در همراهی با رسول خدا (ص) و حمایت از دین اسلام و حکومت اسلامی ابراز میداشتند. نمونه هایی از زنان مسلمان صحابی رسول اکرم (ص) عبارتند از: «ام ایمن خدمتکار مؤمن و باتقوای پیامبر (ص) که در غزوه احد و خیبر شرکت داشت» (ر.ک. ابن سعد، بی تا: ج ۸، ص ۴۲۲).

«ام سلیم که در جنگ حنین برای دفاع از خود و کشتن مشرکان خنجر به دست گرفت. او در جنگ احد نیز حضور داشت» (همان، ص). «ام عطیه نسبه دختر حارث از بزرگان بانوان صحابی رسول خدا (ص) بود که در بسیاری از غزوها همراه پیامبر اکرم (ص) شرکت داشت» (همان، ص ۴۵۶) لیلی غفاری از اصحاب پیامبر اکرم (ص) و (امیر المؤمنین (ع) از مجاهدین جنگجو بود که همراه رسول

خدا (ص) برای مداوای مجروحین و مراقبت از بیماران در جنگها شرکت داشت» (غروی، ۱۳۷۵ ص: ۳۱۲).

۷- نقش شهادت طلبی زنان در نهضت اسلامی و حکومت اسلامی در حصول پیروزی: روحیه شهادت طلبی و جانفشانی زنان موجب ناتوانی قوای بیگانه در مقابله ملت ایران و به ثمر رسیدن نهضت اسلام شد. در واقع پیدایش روحیه شهادت طلبی همان تغییر در روحیات و تعلقات روحی است که در عینیت

جامعه، در تحولات سياسي، اجتماعي و فرهنگي ... جامعه نقش تعيين کننده ای دارند (حیدری و ابراهیمی نسب، ۱۳۸۹).

۸- جهاد مالي و امداد اجتماعي زنان در نهضت و حکومت اسلامي: جهاد مالي و پیشقدم بودن زنان مسلمان در این امر، برای مستضعفین، مستمندان و آوارگان و نیز خدمت به بیماران و معلولان یکی دیگر از بخشهای فعالیت زنان در جمهوری اسلامي است. و ارزش فعالیت‌های زنان در این زمینه از ارزش فعالیت‌های مردان در این امور بیشتر است و یکی از بهترین تحولات ناشی از انقلاب اسلامي است (همان، ۱۳۸۹).

حرکت های سياسي مهم در تمدن اسلامي

۱- حضرت زهرا(س): ایشان با خلیفه غاصب که خود را جانشین پیامبر(ص) معرفی میکرد، بیعت نکرد بیعت نکردن آن حضرت و همسرش، سبب خشم غاصبان و در نتیجه مضروب شدن و سقط جنین و بالاخره شهادت فاطمه (س) شد. (ر.ک. طبری، بی تا: ج ۲، ص ۴۴۳)؛ ابن قتیبه، ۱۳۲۲: ق ۱۳؛ ابن ابی الحدید، ۱۳۸۳: ج ۲، ص ۲۰). آن حضرت در سخنان گله آمیز خود خطاب به نان انصار که برای احوالپرسی وی آمده بودند، فرمود: « بخدا قسم صبح کردم درحالیکه در نظر من دنیای شما مکروه و مبعوض است و مردان شما رادور افکندم زیرا آنها را دشمن خویش یافتم پس از آنکه آنها را امتحان کردم... من قلاده خلافت و غصب فدک و غیر آن را برگردن ایشان انداختم و ننگ این کردار زشت مخصوص ایشان است و همچنین باشد مثله شدن و مجروح شدن و ملعون گشتن و به سخط الهی مبتلي شدن و در زمره ظالمان در آمدن که سزاوار این قوم است که منصب خلافت را از مرکز خود و امامت را از اهل بیت رسالت و قواعد متین نبوت و محل نزول امین وحی و حاذق به امر دنیا و دین این امت را غصب کردند. ... » (ر.ک. مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۴۳، ص ۱۵۹).

۲- همسران پیامبر(ص): در قضیه حدیبیه، هنگامی که رسول الله (ص) از مسئله حدیبیه فارغ شدند، به اصحاب فرمودند: برخیزید و شتر نحر کنید و سر بتراشید. راوی گوید: کسی اطاعت نکرد و انجام نداد و حضرت سه بار تکرار کردند، لکن هیچ کس برنخواست. رسول خدا(ص) نزد ام سلمه رفتند و نظر او را درباره چگونگی شرایط موجود پرسیدند، پیشنهاد او مؤثر افتاد و امور رسول الله (ص) انجام شد. (ر.ک. طبری، بی تا: ج ۱، ص ۶۳۶؛ کحاله، ۱۴۰۴: ج ۵، ص ۲۲۲). این مشورت نشانگر مؤثر بودن رأی ام سلمه در امور سياسي است. این بانوی گرامی در غزوه «خیبر» فتح مکه، حصاره الطائف، «غزوه هوازن»، «ثقیف» و بالاخره در حجه الوداع و بدنبال آن در واقعه تاریخی غدیر خم و مسئله بیعت با امیرالمؤمنین، همراه رسول خدا (ص) بود. پیامبر گرامی اسلام(ص) که پیوسته غم اسلام و مسلمین را به جان خریدار بود، در آخرین ساعات از طول عمر مبارکش وسیله نوشتن می طلبد تا آنچه

را برای حفظ امت اسلام لازم میدانند برای آنها بنویسد و آنان را برای همیشه از ضلالت و گمراهی بدور سازد، لکن اطرافیان مانع آوردن ابزار نوشتن میشوند. درحالیکه همسران پیامبر(ص) از پس پرده میگویند: آنچه را رسول الله (ص) خواسته فراهم آورید. (ر.ک. کاتب واقدی، بی تا: ج ۲، ص ۲۴۳؛ بخاری، بی تا: ج ۴، ص ۷؛ ابوری، بی تا: ص ۵۲). این جریان شاهد بر التزام زمان به اطاعت از رسول الله (ص) رهبر جامعه و اعتراض آنها به اولین انحراف سیاسی است. همسران پیامبر(ص) که سالها شاهد زحمات و غمخواری های رسول خدا(ص) بودند میدانستند که خواسته آن حضرت به نفع مردم است، به همین سبب تأکید در اطاعت آن حضرت داشتند. «ام سلمه» همسر پیامبر اعظم (ص) از شاهدین آخرین لحظات حیات رسول الله (ص) بود. (طبری، بی تا: ج ۲، ص ۹۸). وی پس از رحلت آن حضرت همچنان در بیعتش با رسول خدا(ص) پا بر جا ماند و یاری دهنده وصی پیامبر(ص) و دشمن و ستیزه جویان آن حضرت بود و خط سیاسی اش تغییر نکرد، ام سلمه بر حق بودن زهرا (س) در قضیه فداك را گواهی داد و به سبب این شهادت، ابوبکر و عمر یکسال خرجی او را قطع کردند. (ر.ک. محلاتی، بی تا: ج ۲، ص ۲۹۴، ۲۵). این بانوی گرامی در دوران خلافت چهار خلیفه پس از رسول الله(ص) به مناسبت وقایع سیاسی، بارها احادیثی از پیامبر(ص) نقل کرد تا گمراهان و مشتبهان را هدایت و رهبری کند. ام سلمه و «میمونه» از همسران پیامبر(ص) که با بیان احادیث پیامبر اکرم (ص) دیگران را به حمایت از علی بن ابیطالب (ع) فرامیخواندند.

ام سلمه برای نصیحت خلیفه سوم و اصلاح سیاست به او گفت: «ای فرزند! چیست که میبینم رعیت تو از تو گریزان شده اند و از جناح و حزب تو روگردان شده اند. راهی را که پیامبر دوست میداشت درنگذر» وی برای حمایت از امام علی(ع)، «ابو ایوب انصاری» را تحریض به رفتن بسوی علی (ع) وادار کرد. (ر.ک. طبری، بی تا: ج ۲، ص ۵۳۴). همچنین فرزند خویش عمر را توصیه کرد که پیرو راه علی (ع) باشد و خود همواره حامی و طرفدار فرزندان امام علی، امام حسن و امام حسین (علیهم السلام) بود. (ر.ک. عاملی، ۱۴۱۵ق ج: ۵، ص ۲۴۹).

۳- حرکت های سیاسی حضرت زینب(س) و بانوان کربلا: حضرت زینب (س) پس از مادر بزرگوار خود الگو و اسوه برای همه زنها و مردها در حرکت و قیام به دنبال امام و رهبر خود بود. آنگاه که امام حسین (ع) برای مقابله با یزید و ابن زیاد، مناسك حج را ناتمام رها فرمود و رهسپار سرزمین عراق گردید؛ زینب(س) نیز اعمال حج را به پایان نرسانده به همراه امام و رهبر خویش عازم عراق شد با آنکه میدانست، سرنوشتی سخت و دردآور در انتظارشان است. وی از زمان طفولیت شاهد رنج و ظلم وارده بر مادرش زهرا(س) و غصب حق ولایت پدرش علی بن ابیطالب(ع) و خدعه ها و ظلم های دستگاه حاکم بر برادرش امام حسن (ع) و مصیبت عظمای کربلا و بی حرمتی ها و تعرضها به ساحت

خاندان رسالت بود، پس از واقعه کربلا و اسیر شدن در دربار ابن زیاد و یزید که دارای بیشترین قدرت و زور دوران بودند و کسی در برابر آنها جرأت سخن گفتن نداشت، علی رغم مصیبت های شدید وارد شده بر آن حضرت که هر فرد سالم را به فراموشی و بهت وامیدارد، بسیار هشیارانه، عالمانه، با فصاحت و شجاعت بود که همگان را به تعجب انداخت. او در کلامش علاوه بر یادآوری حق برادر، پدر و جدش، چنان سخن گفت تا دل های خفته را تکانی دهد و از خواب غفلت بیدار کند تا در آینده جنبش های مفید سیاسی بپاخیزد. در حال اسارت بدست ظالمان، چنان آنان را مفتضح کرد که ابن زیاد و یزید قصد کشتن آن حضرت را کردند. زینب (س) همچون پدرش امیرالمؤمنین چنان با فصاحت و بلاغت سخنرانی فرمود که پس از سخنرانی آن حضرت دربار به لرزه درآمد. آن حضرت (س) در برابر ابن زیاد به حمایت از پیشوا و رهبرش، چنین فرمود: «ای پسر زیاد وای بر تو تا کی با لباس نخوت و گمراهی به سوی ما میسازی اگر برادرم طلب خلافت بنماید هر آینه جای تعجب نباشد. چه آنکه میراث جد و پدر خود را خواسته، سزاوارتر به منصب خلافت است از تو..» (ر.ک. همان، ج ۳، ص ۱۴۲). زینب (س) در بارگاه یزید چنان سخنرانی فرمود که درباریان و شامیان به سرافکندگی و پشیمانی افتادند و یزید با تمام قدرت و ترسی که در دل اطرافیان داشت، در سراسر گفتار آن حضرت، گوش بود.

جایگاه و نقش زنان در بیداری تمدن اسلامی

ادیان الهی بر نقش زنان در صحنه خانوادگی و اجتماعی تأکید کرده و او را مکمل مردان در نقش آفرینی جهت سیر تمدن بشری می شناسند. مکتب اسلام در پرتو راهنمایی های قرآن و سنت نبوی و عترت رسول مکرم اسلام به زن آن چه را که شایسته ی او بود اعطا نمود؛ و شرایط را به گونه ای فراهم آورد که زن بتواند با حفظ شؤون اسلامی و انسانی و با توجه به استعدادهای به ودیعت گرفته شده، در تمام میدان ها که نیاز به حضور اوست نقش ایفا کند. از دیدگاه قرآن همکاری در سازندگی جامعه از طریق فریضه ی امر به معروف و نهی از منکر بر دوش هر دو جنس زن و مرد نهاده شده و از شاخصه های ایمانی آنان به شمار آمده است: «والمؤمن نون و المؤمنات بعضهم أولیاء بعض یأمرون بالمعروف وینهون عن المنکر» (توبه/۷۱) این فریضه عامل سازنده ی افراد جامعه و بزرگ ترین قیام ها و تحولات سیاسی و اجتماعی در طول تاریخ اسلام بوده است. به موجب این فریضه، زن موظف است که نقش تربیت و اصلاح جامعه را داشته باشد. اصولاً از نگاه قرآن زن نقش محوری را در تربیت افراد خانواده و در نتیجه جامعه دارد. اگر خداوند قوام اجتماعی و اقتصادی جامعه را بر عهده ی مرد نهاده است، قوام تربیتی آن را بر دوش زن گذاشته زیرا زن کانون عاطفه در عالم هستی است (حیدری و ابراهیمی نسب، ۱۳۸۹).

زنان صدر اسلام در شرایطی که در پرتو تعالیم ارزشمند اسلام نصیبشان شد، در پیشبرد قافله ی تمدن و بقاء فرهنگ اسلامی کمتر از مردان نبوده اند و کافی است (همان، ۱۳۸۹).

مهم ترین نقشی که زنان مسلمان در بیدارگری داشته اند نقش تربیتی در دو حوزه ی ذیل بوده است: ۱. ارائه ی الگویی مهنـب و آگاه از خود به عنوان زن کامل مسلمان و انسانی مبارز و آزاد؛ ۲. تربیت فرزندان پاک، آگاه، مبارز و تشویق همسران به مبارزه.

اینک زنان مسلمان در منطقه بویژه مصر، لیبی، بحرین، تونس و یمن، همچون سمیه در مقابل دشمن سینه سپر کرده اند. زنان مصری با حضور پررنگ خود در میان تظاهرکنندگان و در جای جای مصر ثابت کردند آنچه غربیان در مورد انزوای زنان مسلمان می گویند دروغی بیش نیست. مشارکت زنان در انقلاب تونس، لیبی و یمن نیز توجه جهانیان را به خود معطوف کرده است. حضور زنان مسلمان نشانگر رهایی آنان از قید و بندهای عرفی و مادی غرب و قیام برای کسب آزادی از شر خودکامگان سیاسی است. غاد الغریبی از مبارزان تونس درباره ی هدف از قیام گفت: «قیام اخیر ما نتیجه ستم هایی است که حکام سابق تونس به ملت روا می داشتند... دین اسلام به نحو احسن زن را تکریم کرد اما انسان از تعالیم دینی خارج شد پس از این خروج، ما وارد صحنه ی سیاسی و اجتماعی شدیم تا نقش واقعی زن را نشان دهیم». در بحرین نیز انبوهی از زنان محجبه مسلمان در کنار دیگر هموطنان خود، خواستار سرنگونی خاندان آل خلیفه هستند. حتی می توان اذعان داشت که بیداری بحرینی ها، مردم قطیف و احساء با حضور زنان آغاز شد. بیداری اسلامی در زنان بحرینی نشانگر آگاهی آنان درباره نقش موثر و سرنوشت ساز خود در اصلاح جامعه خویش است. از جمله زنان برجسته ای که در این بیداری اسلامی علیه دولت آل خلیفه خروشیده است؛ خانم «آیات القرمزی» است. وی به واسطه سرودن شعرهایی که علیه آل خلیفه سرائیده، معروف و شناخته شده است. او در یکی از تجمعات در ۲۳ فوریه ۲۰۱۱، شعری انقلابی برضد آل خلیفه سرود که به خاطر آن دستگیر و شکنجه شد. سران استبدادی کشورهای تونس، یمن، مصر و بحرین به سرکوب حق طلبی زنان و کودکان در سطح شهر می پردازند که با این کار میخ بر تابوت حیات خود می کوبند (همان، ۱۳۸۹).

تشکل ها با ساختار جدید در ایران و در سایر کشورها نیز مشهود است از جمله عراق، حجاز و نجد، بحرین، یمن، اندونزی و... برای مثال سازمان اسلامی فاطیما در اندونزی، با هدف گسترش الیم تعاهل بیت (علیهم السلام) در میان امت اسلامی تأسیس شده و توسط دانشجویان رهبری می شود و تاکنون آثار فرهنگی ای چون: شرح ادعیه ی اهل بیت (ع)، ارائه خدمات آموزشی، کتابخانه ای و... در این خصوص ارائه کرده است (زهرا پیشگاهی فر، ص ۲۷۳).

هبوط جایگاه علمی زنان مسلمان

برخی بر این باورند که هبوط جایگاه علمی زنان و کوتاه شدن دست آنان از محیط ها و قلمروهای تولید دانش و ثروت، معلول طبیعت نابسامان این دوران هاست. رویکرد تقلیل گرایانه مکتب خلفا نسبت به زنان، برافروخته شدن آتش کشمکش ها و فتنه های سیاسی و مذهبی و فرقه ای، از يك سو و تکاثر و تفاخر و رقابت های آزمندانه دنیاطلبان از سوی دیگر، سبب شد تا استعداد آنان نادیده گرفته شود و سختی ها و رنج های مسیر دانش آموزی بر کام عموم دانشجویان؛ به ویژه زنان که همواره به حاشیه امنیتی و حمایتی بیشتری نیاز دارند، تلخ و تلخ تر آید. در چنین شرایط دشواری بود که جامعه زن مسلمان، کوشید تا هویت و معنویت خود را در پس نقاب زهد و پارسایی و تصوف صیانت کند (نک: سید الاهل، ۱۴۰۰: ۵۰). شماری از صاحب نظران، انسداد فکر و اجتهاد دینی، تشدید عصبیت مذهبی، حصر مذاهب و رشد روزافزون جریان های صوفیانه در میان نخبگان علمی را معلول این شرایط و نیز التهابات اجتماعی پدید آمده پس از تهاجم مغول و سقوط خلافت عباسی می دانند. نویسنده در جای دیگر، ذیل بررسی علل مذهب گرایی افراطی و انسداد باب اجتهاد، در باره برخی از این عوامل تفصیل بیشتری داده است (نک: عزیزی، ۲۸۲: ۱۳۸۴-۲۸۶).

برخی نیز به نقش عامل تاریخ نگاری زنان به دست مردان، به عنوان یکی از عوامل این هبوط اشاره کرده اند؛ ادبیاتی که به جانبداری از مردان و نکوهش زنان گرایش دارد. البته، واقعیت تبعیض آمیز حیات اجتماعی زنان و مردان حتی در دوران های اساطیری، بر این نگرش تأثیرگذار بوده است (نک: حضرتی، ۱۳۸۶: ۷۱-۷۹؛ سجادی، ۱۳۸۷: ۶۱-۶۸؛ کراچی، ۱۳۹۰: ص چهارده).

برخی بر این باورند که يك عامل مؤثر در رشد نیافتگی اجتماعی زنان، انگاره های تقلیل گرایانه سنتی عالمان دینی و توجیه و تفسیر خاص آنان از جایگاه و نقش اجتماعی زن بوده است. نگاه دوگانه فردوسی در شاهنامه، نگاه تحقیرآمیز و ابزاری به زن در سندباد نامه ظهیری سمرقندی و کیمیای سعادت غزالی و دیوان ناصر خسرو و قابوس نامه عنصرالمعالی این دیدگاه را به روشنی تأیید می کنند (نک: خلعتبری، ۱۳۸۸: ۸۸-۱۰۵). در این انگاره، هم ناتوانی زن قطعی انگاشته می شود و از این رو، توان و مسؤولیتش به درون خانه محدود می شود و هم حضور اجتماعی اش برابر با فساد انگیزی تلقی می شود (الهی، ۱۳۹۱: ۱۶۱-۱۷۰). می توان گفت این رویکرد، عمیقاً در باور سنتی دیگری ریشه دارد؛ باوری که از یونان باستان تا اواخر رنسانس در اروپا و شبه قاره هند و حتی در میان مسلمانان قرون نخست دیده می شود. در این باور، اساس زن و علم غیرقابل جمعند و دانش، مذکر و نرینه است؛ مردان آن را دوست می دارند و زنان آن را نمی پسندند. آنان طبیعت زن را عامل بازدارنده از رشد علمی معرفی می کردند (جانعلی زاده، ۱۳۹۳: ۳۵-۳۷). این گروه معتقدند زن در دستگاه آفرینش، کارگردان است تا بازیگر. او به اقتضای فیزیولوژی خاصش، درگیر وظایف طاقت فرسای مادری هنگام بارداری

و پس از بارگذاری است و به اقتضای ساختمان مغزی و روحیه‌اش به گونه‌ای آفریده شده است که در صحنه بازیگری و قهرمانی نبودن جزو ذات اوست و برای لذت بردن از زندگی نیازی ندارد که کارهای حماسی و قهرمانی کند. آری اگر فرایند بارداری و ضرورت‌های مادری به گونه‌ای کنترل شود یا حتی به انحراف برود، زن نیز مانند مرد امکان حماسه آفرینی و بازیگری در صحنه اجتماع را دارد؛ اما دستگاه آفرینش چنین تکلیفی را بر دوش او نهاده است (گلی، ۱۳۶۰: ۱۱۴-۱۲۵). زن در این نگاه، قادر به تفکر ژرف و پایدار در مقوله‌های علمی نیست. کارهایی که به تفکر پایدار احتیاج دارد، زن را خسته می‌کند (نک: مطهری، ۱۳۸۳: ج ۱۹: ۱۸۰-۱۸۶).

چنین رویکردی، اگر به شناخت متقابل زن و مرد از یکدیگر و اقناع آنان نسبت به تحصیل حقوق انسانی و اجتماعی‌شان بینجامد، ستودنی است؛ اما اگر چنین نگاهی از سوی زنان، به خودکم بینی و فرافکنی مزمن و هویت سوز تبدیل شود و از سوی مردان، به اهرم فشار و ستم مضاعف بدل شود، غیرقابل دفاع است. بیراهه نرفته ایم اگر جهان بینی مبتنی بر ناتوانی و بیماری خودکم‌بینی را یکی از عوامل مهم عقب ماندگی جوامع اسلامی؛ به ویژه زنان بدانیم. علامه طباطبائی در جایی به همین بیماری اشاره دارد و می‌نویسد: «سراسر دنیا عقائدی را که شرح دادیم، همچنان در باره زن داشت، و رفتارهایی که گفتیم معمول می‌داشت، و زن را در شکنجه گاه ذلت و پستی زندانی کرده بود که ضعف و ذلت، طبیعت ثانوی برای زن شده و گوشت و استخوانش با این طبیعت می‌رویید، و با این طبیعت به دنیا می‌آمد و می‌مرد، و کلمات زن و ضعف و خواری و پستی نه تنها در نظر مردان؛ بلکه در نظر خود زنان نیز مثل واژه‌های مترادف و چون انسان و بشر شده بود، با اینکه در معانی متفاوتی وضع شده بودند، و این خود امری عجیب است، که چگونه بر اثر تلقین و شستشوی مغزی فهم آدمی واژگونه و معکوس می‌گردد» (طباطبائی، ج ۲: ۴۰۵).

خان محمدی در مقاله «تفکرات نظری پیرامون تنزل جایگاه زنان در جوامع اسلامی» با اشاره به دیدگاه‌های معطوف به سه نظریه سیستمی، فرهنگی و ساختاری در خصوص تنزل جایگاه زن در جوامع اسلامی، با تمایل به دیدگاه علامه طباطبائی در خصوص انحطاط زنان در جوامع یهودی و مسیحی و دیدگاه قاسم امین مصری در خصوص عقب ماندگی زنان در جوامع اسلامی، نظریه ساختاری را می‌پسندد و بر این باور است که عقب نشینی تدریجی دولت‌ها و جوامع اسلامی از نظام سیاسی متکی به شریعت و آراء عمومی، زمینه استبداد سیاسی و فساد اخلاقی و سلطه طبیعی توانگران بر ضعیفان و مردان به زنان را فراهم ساخت و تدریجاً نیمی از جامعه بزرگ اسلامی را در علم و عمل به عقب راند. در نقطه مقابل، برخی از جامعه‌شناسان بر این باورند که در قرن اخیر وضعیت زن در جهان رو به بهبودی گراییده و پایگاه زنان سریع‌تر از ساختارهای اجتماعی و اقتصادی تحول یافته

است (خان محمدی، ۱۳۷۸: ۱۸۲). مرحوم باستانی پاریزی کتاب گذر زن از گذار تاریخ را برای نشان دادن چنین وضعیتی بر ساخته و معتقد به ظرفیت‌های بزرگ زنان حتی در عرصه سیاستمداری است. از این رو، سخت از روایت قرآن در باره دولت بلقیس و نمونه هایی از این دست دولت‌ها دفاع می‌کند (باستانی، ۱۳۸۳: ۱۷۹-۱۸۲). براهنی در مقاله انتقادی «تکمله ای بر تاریخ مذکر» چنین دیدگاهی را دنبال کرده است و معتقد است تا نظام مردسالاری و به دنبال آن، سیطره «شقاوت مذکر» در جهان گذشته و امروز حاکم است، زن جایگاه واقعیاش را نخواهد یافت و باید طرح دیگری انداخت. نباید از محدودیت‌های تحمیل شده بر اثر مقتضات زمان و مکان غافل شد. ویل دورانت می‌نویسد: «در اجتماعات ابتدایی، قسمت اعظم ترقیات اقتصادی به دست زنان اتفاق افتاد، نه به دست مردان. در آن هنگام که قرن‌های متوالی، مردان دائماً با طریقه‌های کهن خود به شکار اشتغال داشتند، زن در اطراف خیمه، زراعت را ترقی می‌داد و هزاران هنر خانگی را ایجاد می‌کرد که هر یک روزی پایه صنایع بسیار مهمی شد.» (دورانت، ۱۳۷۸: ج ۴۲/۱).

نویسنده ضمن توجه به ظرفیت‌های متفاوت زن و مرد و محدودیت‌های ضروری برخاسته از این تفاوت، و توجه به نقش متفاوت عوامل یاد شده در عقب‌راندگی زنان، نقش تخریبی تفکر و سیاست‌های استبدادی و مردسالارانه حاکمان و رویکرد تحقیرآمیز عالمان و ادیبان به زن را از همه برجسته تر می‌داند. این بدان معنی است که حیات اجتماعی امروز زنان، دست کم، به سه اقدام مهم وابسته است: نخست، خودباوری بانوان و کوشش خستگی‌ناپذیر آنان برای نشان دادن ظرفیت‌های پنهان و ناشناخته‌شان؛ دوم، احیای فکر دینی در باب انسان‌شناسی اسلامی و نظام حقوق زن، و سوم، صیانت از نظام مردم‌سالار دینی و به قول اقبال لاهوری، توجه به مهم‌ترین سیمای اسلام؛ یعنی حکومت اجتماعی (نک: اقبال، ۱۳۳۶: ۱۷۱).

تمدن ایرانی و انقلاب اسلامی

بانوان در دوران انقلاب اسلامی به صورتی مؤثر حاضر شدند و نه تنها در پیروزی نقش داشتند، بلکه در مقابله با توطئه‌های دشمنان و تثبیت کشور به صورتی مؤثر نقش‌آفرینی کردند. زنان در جوامع مختلف برای پیشرفت کشورشان نقش‌های متعدد و ارزشمندی ایفا می‌کنند و هنگام بحران‌ها، حضور زنان بیش‌ازپیش اهمیت یافته و پررنگ‌تر می‌گردد. بانوان در دوران انقلاب اسلامی به صورتی مؤثر حاضر شدند و نه تنها در پیروزی نقش داشتند، بلکه در مقابله با توطئه‌های دشمنان و تثبیت کشور به صورتی مؤثر نقش‌آفرینی کردند.

بانوان کشورمان همچون سایر زنان در جوامع مختلف برای پیشرفت کشور به نقش‌آفرینی‌های بسیاری در طول تاریخ مانند کنشگری‌های اجتماعی و سیاسی پرداخته‌اند. به عنوان مثال در حساس‌ترین مقطع تاریخ

معاصر یعنی در زمان انقلاب اسلامی، زنان دوشادوش مردان با تمام توان خود به دفاع، مبارزه و صیانت از آرمان‌های انقلاب اسلامی و امام خمینی (ره) پرداختند. همچنین آن‌ها حامیان اصلی مقاومت مردان خانواده برای دفاع از کشور و آرمان‌های انقلاب اسلامی محسوب می‌شدند.

رهبر انقلاب اسلامی بارها به نقش بی‌بدیل زنان در پیروزی انقلاب اسلامی اشاره کرده و اظهار داشتند: بی‌تردید بانوان جانباز، آزاده و شهید که بر اساس آمار تعداد آن‌ها ۱۷ هزار نفر به ثبت رسیده است، در صدر این افتخارات قرار دارند. زنان ایرانی توانسته‌اند با وجود فرهنگ غیراخلاقی غربی که بر بسیاری از زنان در دوره پهلوی تحمیل شده بود، به طهارت و شرافت موردنظر اسلام نزدیک شوند و این افتخاری بزرگ برای آن‌ها محسوب می‌شود.

در ادامه به معرفی چند تن از هزاران بانوی رشید انقلاب اسلامی ایران می‌پردازیم، بانوانی از دیروز که الگوی مقاومت و ایستادگی برای زنان امروز هستند.

اولین شهید زن انقلاب اسلامی

«محبوبه دانش آشتیانی»، متولد سال ۱۳۴۰ در تهران بود. پدرش غلامرضا دانش آشتیانی، روحانی متعهد و فرهیخته‌ای محسوب می‌شد که تربیت اسلامی فرزندانش بسیار برایش اهمیت داشت و به همین دلیل با بزرگانی مانند شهید باهنر، شهید مفتاح، شهید بهشتی و شهید مطهری در ارتباط بود. محیط خانوادگی، افق‌های روشنی را برای رشد فکری این شهید بزرگوار فراهم کرد. او در مدرسه مذهبی رفاه، تحت تعلیم معلمان برجسته تحصیلات خود را ادامه داد و آموزش‌های مدرسه، عزم او را برای مبارزه کردن در این راه راسخ‌تر می‌کرد. او علاوه بر نهج‌البلاغه و قرآن، به مطالعه آثار شهید مطهری و دکتر شریعتی پرداخت و در سال اول دبیرستان، فعالیت‌های سیاسی خود را به شکل منسجم آغاز کرد. در روز جمعه هفدهم شهریور ۱۳۵۷ برای اولین بار تعدادی از بانوان تهرانی به خیابان آمده و تظاهرات کردند. خانواده آشتیانی نیز در این روز در کنار مردان به دفاع از آرمان انقلاب اسلامی پرداخت و در جریان حوادث میدان ژاله، «محبوبه دانش آشتیانی» به عنوان [اولین](#) شهید انقلاب اسلامی، به شهادت رسید.

اولین و تنها زن فرمانده سپاه پاسداران

«مرضیه حدیدچی دباغ»، متولد سال ۱۳۱۸ در شهر همدان، در خانواده‌ای فرهیخته چشم به جهان گشود و پس از ازدواج و مهاجرت به تهران تحصیلات حوزوی خود را تا سطح (شرح لمعه) ادامه داد و از محضر استادانی همچون شهید سید مجتبی صالحی خوانسار، شهید آیت‌الله محمدرضا سعیدی، حاج شیخ علی خوانساری و مرحوم حاج آقا کمال مرتضوی بهره‌مند شد.

وی در سال ۱۳۴۰ با پخش اعلامیه فعالیت‌های سیاسی خود را آغاز کرد و در سال ۱۳۵۲ نیز دو بار توسط ساواک دستگیر شد و به همراه دخترش که تنها ۱۴ سال داشت، تحت شدیدترین شکنجه‌ها قرار گرفت.

در سال ۱۳۵۳ در ادامه مبارزات خود از کشور خارج شد و به ادامه فعالیت‌هایش در کشورهای مانند سوریه، لبنان، عراق، فرانسه، انگلیس و عربستان پرداخت. او پس از گذراندن آموزش‌های رزمی و چریکی و هجرت امام (ره) به پاریس، به جمع یاران ایشان پیوست و تا پیروزی انقلاب اسلامی، از فعالیت‌های سیاسی خود عقب ننشست. پس از آن نیز مسئولیت‌هایی مانند ۳ دوره نمایندگی مجلس شورای اسلامی، قائم‌مقامی جمعیت زنان جمهوری اسلامی ایران، فرماندهی سپاه همدان و مسئولیت بسیج خواهران را بر عهده گرفت. در سخنان خانم دباغ عنوان شده است که علت انتخاب شدن وی توسط امام خمینی در هیات حامل پیام امام به گورباچف، بر اساس شناختی بود که ایشان در سال ۱۳۴۹ نسبت به این بانوی مبارز داشتند. او سرانجام پس از گذراندن دوره‌ای بیماری در سال ۱۳۹۵ درگذشت.

تنها بانوی عضو مجلس خبرگان قانون اساسی

«منیره گرجی فرد» متولد سال ۱۳۰۸ در تهران بود و در سال‌های قبل از پیروزی انقلاب اسلامی به مطالعه علوم حوزوی و تحصیل در این زمینه مشغول شد. او در خرداد سال ۱۳۴۲ شروع به انجام فعالیت‌های سیاسی کرد و با شدت گرفتن تحرکات سیاسی، حضور وی در عرصه مبارزه افزایش پیدا کرد. در دوران انقلاب به عنوان یکی از زنان فعال علیه رژیم پهلوی شناخته می‌شد و با برگزاری جلساتی با موضوع تفسیر، احکام و مسائل اجتماعی، فعالیت‌های گسترده‌ای را سامان می‌داد. این جلسات به مرور سمت و سوی سیاسی پیدا کرد و به هدف موردنظر گرجی فرد نزدیک شد. افراد زیادی در سال‌های ۱۳۵۶ تا ۱۳۵۸ با حضور در این جلسات به آگاهی و آمادگی لازم برای مبارزات انقلابی دست پیدا کردند. این بانوی مجاهد پس از پیروزی انقلاب و تشکیل مجلس خبرگان قانون اساسی، به عنوان تنها زن عضو این مجلس توسط مردم تهران انتخاب شد و به دفاع از حقوق زنان و بیان سخنان تأثیرگذار در رابطه با تصویب و تدوین اصول مربوط به خانواده و زنان در قانون اساسی پرداخت. منیره گرجی فرد بعد از اتمام دوره مجلس خبرگان قانون اساسی، از مشاغل دولتی کناره‌گیری کرد و در حوزه علمیه خدیجه کبری در تهران به تدریس اخلاق، احکام، تفسیر و فقه مشغول شد.

مبلغ مجامع بین‌المللی

«مریم بهروزی» متولد سال ۱۳۲۴ در خانواده‌ای سیاسی و مذهبی در تهران بود و از سال ۱۳۵۰ به صورت مستقیم در مبارزه علیه رژیم پهلوی شرکت کرد. در سال ۱۳۵۴ به دلیل انجام سخنرانی‌های سیاسی-مذهبی، دیگر اجازه سخنرانی به او داده نشد و تحت نظر ساواک قرار گرفت. در سال ۱۳۵۷ امام خمینی (ره) به وی دستور دادند که سخنرانی‌های خود را دوباره از سر گیرد و بهروزی نیز پس از انجام سخنرانی در مسجد قبا در رابطه با حکومت اسلامی و حقوق زن دستگیر شد.

او در بهمن ۱۳۵۷ جزو افراد فعال در خصوص تشکیل کمیته استقبال از بنیان‌گذار کبیر انقلاب بود و مسئولیت سازمان‌دهی دیدار بانوان با امام خمینی (ره) در مسجد امام را نیز بر عهده داشت. همچنین وی اولین زنی بود که در حضور امام سخنرانی کرد و مورد تمجید ایشان قرار گرفت و از جمله افراد تأثیرگذار در نشست‌هایی بود که باهدف تشکیل حکومت اسلامی و برنامه‌ریزی برای انقلاب برگزار شده است. این بانوی مبارز از جمله افراد تأثیرگذار در پیروزی انقلاب اسلامی، بنیان‌گذار و فعال تشکلهای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی، متصدی پست‌های قانون‌گذاری، مبلغ مسائل سیاسی و عقیدتی و چهره‌ای سرشناس در مجامع بین‌المللی بوده است. او در دوره اول مجلس شورای اسلامی نامزد شد و چهار دوره در مجلس شورای اسلامی به‌عنوان نماینده مجلس حضور پیدا کرد، همچنین در مجلس نهم نامزد دبیرکل جامعه زینب برای انتخابات مجلس شد. این بانوی مجاهد در بهمن سال ۱۳۹۰ به دلیل ابتلا به بیماری سرطان درگذشت.

بانوی مقاومت شهر قم که به درجه اجتهاد رسید

«زهره صفاتی» در سال ۱۳۲۸ در شهرآبادان چشم به جهان گشود. او دلیل علاقه‌مندی خود به علوم حوزوی را خواندن مصاحبه‌ای از بانو امین اصفهانی می‌داند. وی پس از فراگیری دروس «مغنی‌الادیب»، «سیوطی»، «لمعتین» و بخش‌هایی از «معانی بیان» تصمیم گرفت که در شهر قم به تحصیل در علوم حوزوی بپردازد و این تصمیم را عملی کرد. او به بانو مجتهد صفاتی مشهور بوده و از بانوان شیعه ایرانی دارای درجه اجتهاد است که در بیشتر آثار منتشر شده از او مسائل زنان در اولویت قرار دارد. زهره صفاتی علاوه بر نشر آثار متعدد در رابطه با تفسیر قرآن و مسائل فقهی زنان، جزو بنیان‌گذاران حوزه علمیه خواهران در قم نیز محسوب می‌شود.

جهاد او تنها در عرصه‌های علمی نبود. خانم صفاتی به‌عنوان بانوی مقاومت شهر قم نیز شناخته می‌شود، به این دلیل که در خفقان دوره پهلوی، برای افشاگری علیه این رژیم به مناطق مختلف ایران سفر می‌کرد تا آنجا که اجازه سخنرانی از وی گرفته شد و توسط رئیس سازمان امنیت کل کشور به تبعید محکوم شد. فعالیت‌های عدالت‌خواهانه این بانوی مبارز موجب شد که ساواک در سال ۱۳۵۵ او را بازداشت کند. اقدامات سیاسی او مشکلاتی مانند زندانی‌شدن خود، همسر و فرزند خردسالش در زندان، ممنوع المنبر شدن و شهادت برادر را برای وی به همراه داشت. انتشار مقالات متعدد در رابطه با احکام اسلامی بانوان و آثار پژوهشی مختلف در خصوص مسائل فقهی و حقوقی خانم‌ها، رفتن به سفرهای تبلیغی به واسطه سفارت‌های ایران در کشورهای امارات، لبنان، سوریه، هند، سوئد و خانه فرهنگ ایران در دبی، مشاور امور فقهی معاون رئیس‌جمهور در امور زنان و خانواده در سال ۱۳۹۳، از جمله مسئولیت‌ها و اقدامات سیاسی او محسوب می‌شود.

بانوی که در زندان ساواک به شهادت رسید

«طیبه واعظی دهنوی» متولد سال ۱۳۳۷ در یکی از روستاهای اصفهان بود. این بانوی مبارز پس از ازدواج به مبارزات تشکیلاتی ورود پیدا کرد و به عنوان یکی از اعضای گروه مهدیون شروع به فعالیت کرد؛ گروهی که توسط مهدی شاه کرمی و باهدف مبارزه با سازمان مجاهدین خلق و رژیم پهلوی ایجاد شده بود. او به دلیل تحت تعقیب بودن همسر خود و مبارزه با رژیم پهلوی از سال ۱۳۵۴ محل زندگی خود را مخفی کرد، با این وجود در فروردین ۱۳۵۶ در پی دستگیری یکی از اعضای گروه در تبریز، گشتی های ساواک این زوج را شناسایی کرده و پس از دستگیری، روانه زندان کردند. همچنین خواهر همسرش، فاطمه جعفریان که او نیز از مبارزان علیه حکومت پهلوی بود، در این روز به شهادت رسید.

این بانوی مجاهد، پسر و همسرش بعد از چند روز شکنجه از تبریز به کمیته تهران انتقال پیدا کرده و یک ماه تمام سخت ترین شکنجه های ساواک را تحمل کردند و در نهایت در سال ۱۳۵۶ بر اثر شکنجه به شهادت رسیدند. شهادت این زوج مدت زیادی توسط ساواک پنهان ماند و پس از پیروزی انقلاب اسلامی خانواده آن ها متوجه شهادتشان شدند. شهیده طیبه واعظی دهنوی، بانوی مجاهد و مبارز جان خود را فدا کرد، با این وجود حاضر نشد در برابر مأمورین ساواک دست از حجابش بردارد. محمدمهدی فرزند خردسال آنها با اطلاعات جعلی و به دستور ساواک به یک پرورشگاه سپرده شد. دو سال بعد، جست و جوی های فراوان خانواده این دو شهید نتیجه داد و فرزند آن ها به خانواده شان تحویل داده شد.

افتخارات زنان ایرانی به این موارد محدود نمی گردد و بی شک نام بانوان فراوانی در تاریخ این مرز و بوم به یادگار خواهد ماند. همچنین می توان در عرصه علم و فناوری از بزرگ زانی نام برد که همواره به آنان افتخار می کنیم. موفقیت زنان دانشمند و کارآفرین در جامعه نه تنها سبب سودهای علمی و اقتصادی می شود، بلکه منافع اجتماعی و فرهنگی هم ایجاد می کند، زنان نیمی از پیکره جامعه را به خود اختصاص داده و در عرصه های مختلف سیاسی، اقتصادی، علمی و ورزشی کارنامه درخشانی را از خود نشان دادند.

دکتر فائزه کاشانیان

فائزه کاشانیان دارای کارشناسی ارشد فیزیک، دکترا و فوق دکترای رشته نانو بیوتکنولوژی، مدیر عامل شرکت دانش بنیان و رئیس هیئت مدیره شرکت و همچنین مدیریت فنی و حرفه ای «خانه نانو» را بر عهده دارد. کاشانیان در میان زنان کارآفرین قمی یک بانوی نخبه است که توانسته به همراه تیم ۱۰ نفره خود که متشکل از نخبگان دکتراست، در عرصه کارآفرینی و دنیای نانو فعالیت کنند. آنها با درهم آمیختن معجزه طبیعت و مواد کاملاً طبیعی در دنیای نانو علم و طبیعت را به هم گره زده و محصولات آرایشی و بهداشتی را وارد بازار کردند، محصولاتی که در کیفیت و کمیت قابل رقابت با محصولات خارجی هستند.

پروفسور مریم رزاقی آذر برترین پزشک غدد کودکان

پروفسور «مریم رزاقی آذر» از میان یک هزار و ۲۰۰ پزشک غدد کودک از ۹۱ کشور دنیا که عضو انجمن پزشکان غدد هستند به عنوان برترین پزشک دنیا در این تخصص انتخاب شد. این انتخاب توسط انجمن جهانی پزشکان غدد شد انجام و نام ایران در شهر لاهه و کشور هلند بر سر زبان‌ها افتاد.

دکتر مریم رزاقی آذر، فوق تخصص غدد و متابولیسم کودکان، در کنفرانسی علمی در دبی که با اسپانسی شرکت‌های فرانسوی و چینی برگزار شد، از نام خلیج فارس دفاع کرد. در این کنفرانس، دکتر رزاقی آذر دو مقاله در مورد سن بلوغ ارائه کرد. در هنگام ارائه مقاله یکی از محققان اماراتی، از عبارت «خلیج عربی» استفاده کرد. دکتر رزاقی آذر از این موضوع ناراحت شد و پس از ارائه مقاله اول خود، در دفاع از نام خلیج فارس گفت: «خلیج فارس همیشه خلیج فارس بوده و تا ابد هم خلیج فارس خواهد ماند.»

این سخنان دکتر رزاقی آذر مورد استقبال حضار قرار گرفت، اما مسئولان کنفرانس گفتند که او موضوع را سیاسی کرده است و باید عذرخواهی کند. دکتر رزاقی آذر در پاسخ گفت که سخنانش حقیقت و درست بوده است. با این حال، مسئولان کنفرانس اجازه ندادند که دکتر رزاقی آذر مقاله دوم خود را ارائه دهد. آنها همچنین اعلام کردند که قصد دارند دکتر رزاقی آذر را دستگیر کنند.

دکتر رزاقی آذر و سایر محققان ایرانی حاضر در کنفرانس به هتل بازگشتند. اما آنها متوجه شدند که امکان ورود به اتاق‌های خود را ندارند. در لابی هتل، دکتر رزاقی آذر با یک مأمور پلیس مواجه شد. پلیس از دکتر رزاقی آذر خواست که اعتراف نامه‌ای مبنی بر اینکه در کنفرانس دچار خطا شده است، امضا کند. دکتر رزاقی آذر از این کار امتناع کرد. پلیس به او گفت که اگر اعتراف نامه را امضا نکند، باید امارات را ترک کند و حق ترانزیت از امارات را نخواهد داشت.

دکتر رزاقی آذر گفت که در ایران کارهای بسیاری دارد و باید هر چه سریعتر به کشور خود بازگردد. او همچنین گفت که قصد ندارد از نام خلیج فارس عذرخواهی کند. با این حال، دکتر رزاقی آذر متوجه شد که پلیس قصد دارد از او اعتراف بگیرد تا بتواند قانوناً علیه او اقدام کند. بنابراین، او متنی را نوشت که در آن به دفاع از نام خلیج فارس پرداخت. پس از خواندن این متن، نظر پلیس نسبت به دکتر رزاقی آذر تغییر کرد. پلیس از دکتر رزاقی آذر عذرخواهی کرد و گفت که با رئیس خود صحبت می‌کند تا نظر او را نسبت به این ماجرا تغییر دهد.

دکتر مریم رزاقی آذر با اشاره به این که خلیج فارس برای ما ایرانی‌ها یک هویت ملی است و خلیج فارس، خلیج فارس است و کسی نباید به خود این حق و جرات را بدهد که نامش را تغییر دهد و در ادامه گفت: برای شرکت در یک کنفرانس علمی با موضوع «بلوغ» به «امارات متحده عربی» سفر کرده بودم یک پزشک خانم عرب هنگام ارائه مقاله خود، بارها بجای بکار بردن خلیج فارس از خلیج عربی استفاده کرد. در صورتی

که در سمینارهای، همکاران عرب اکثرا از واژه Gulf استفاده می کردند اما در همایش این پزشک عرب بارها از خلیج عرب برای ارائه مقاله خود استفاده کرد و من متوجه شدم یک وابستگی های سیاسی در این سمینار وجود دارد.

وی افزود: من هنگامی که سخنرانی اول را به پایان رساندم در پایان گفتم " نام این خلیج از زمان های گذشته خلیج فارس بوده و تا ابد نیز خلیج فارس خواهد بود ". پس از تشویق شرکت کنندگان به صندلی خود بازگشتم و یک پزشک فرانسوی سخنرانی خود را در رابطه با ژنتیک و بلوغ آغاز کرد و طی برنامه های ریخته شده سخنران بعدی سمینار من بودم که می خواستم درباره اپی ژنتیک و عوامل موثر آن بر بلوغ صحبت کنم.

مسئولین سمینار به من گفتند که کنفرانس را سیاسی کرده ام و باید معذرت خواهی کنم، من هم در جوابشان گفتم، من معذرت خواهی نمی کنم اما می توانم بگویم که من حرف سیاسی نزدم. بعد از سخنرانی پزشک فرانسوی من به جایگاه دعوت شدم و قبل از شروع سخنرانی گفتم "حرف من سیاسی نبود و همه ما باهم دوست هستیم اما این یک واقعیت است". ناگهان تمام اعراب بلند شدند و سالن همایش را ترک کرده و میکروفن من را هم خاموش کردند و مسئولین سمینار وقت تنفس اعلام کردند.

این پروفسور افزود: ما ۱۵ ایرانی بودیم که البته به غیر از اعراب از کشورهای چون کره، چین، فرانسه و دانمارک هم در کنفرانس حضور داشتند. در زمان تنفس همکاران من قصد داشتن نقشه خلیج فارس را به آنان نشان دهند اما آنها حاضر نشدند حتی با ما صحبت کنند در نتیجه سخنرانی من را لغو کردند. وی یادآور شد: بعد از صرف شام با همکاران به هتل بازگشتیم اما در اتاق من قفل بود و پذیرش هتل گفت که در اتاق شما خراب است و یکی از آنان مدتی با من صحبت کرد تا پلیس از راه برسد، پلیس دبی از یا من خواست نامه ای بنویسم و معذرت خواهی کنم و یا همین الان برای همیشه از این کشور دیپورت می شوم و حق گذر حتی بعنوان ترانزیت نیز از آن ندارم.

رزاقی آذر در پاسخ به پلیس دبی گفت: اتفاقا من خوشحال می شوم که همین الان برگردم ایران چرا که خیلی کار دارم و دیگر لزومی ندارد برای ترانزیت به اینجا بیام و از کشورهای دیگر برای ترانزیت استفاده می کنم و تمام ماجرا را برای پلیس نوشتم و به او گفتم من یک پروفسور هستم با ۳۵ سال سابقه و برای سخنرانی به این کشور دعوت شدم و یک واقعیتی را بیان کردم مبنی بر این که خلیج فارس از بچگی من خلیج فارس بوده و در تمامی نقشه ها اسم این خلیج، خلیج فارس قید شده است در واقع من واقعیت را گفتم و آنان غیر واقعیت می گویند.

وی ادامه داد: بعد از صحبت های من پلیس جوان با بی ادبی و بی احترامی با من رفتار کرد اما من به او گفتم من به پلیس احترام می گذارم و شما به مردم کمک می کنید و من جای مادر شما هستم. پلیس جوان بعد از

جملات من، فوراً رفتارش عوض شد و گفت رئیس من خیلی از داستان به وجود آمده عصبانی است و من تمام تلاشم را می‌کنم که این موضوع به خوبی تمام شود.

این متخصص متخصص بیماری‌های غدد درون ریز و متابولیسم کودکان اشاره کرد: فردای آن روز هیچکس به سمینار نرفت و بعد از تحویل اتاق به فرودگاه رفتیم. داخل هواپیما هم ۲ نفر در لحظات آخر دنبال من می‌گشتند و کارت پروازم را نگاه کردند و رفتند.

به گفته رزاقی آذر، همایش برای یک کمپانی فرانسوی بود و از سفارت در همایش های علمی شرکت نمی‌کنند، هنگامی که به ایران بازگشتم این داستان بوسیله همکاران و اطرافیان وارد فضای مجازی شد و بسیار مورد استقبال عجیب مردم قرار گرفتم علاوه بر آنان، در دانشگاه، شورای عالی نظام پزشکی، سازمان بسیج پزشکان و انجمن کودکان ایران نیز از من تقدیر شد. از طرفی دیگر مردم کشور نیز احساس همدردی و سپاس خود را برای من فرستادند.

وی در پایان خاطرنشان کرد: در میان آن داستان ها، به اندازه یک ذره ترس و استرس و پشیمانی در وجودم بوجود نیامد و حتی به قدری آرامش داشتم که همکارانم تعجب می‌کردند و دائم حالم را جویا می‌شدند.

پروفسور ناهید پوررضا

ناهید پوررضا، شیمیدان خوزستانی، استاد نمونه کشوری، اولین استاد زن در دانشگاه جندی شاپور سابق و همچنین یکی از زنان نام آور و از شیمیدانان برجسته ایران است که به خاطر عشق به وطن به زندگی در بیرمنگام انگلیس پایان داد. ناهید پوررضا و همسرش جزء وطن دوستانی هستند که در راه خدمت به کشور به پیشنهادات خارجی جواب رد دادند.

فیلسوف طوبی کرمانی

وی اولین زن فوق دکترای فلسفه در ایران، فوق دکترای فلسفه تطبیقی و کلام از دانشگاه کالیفرنیا آمریکا و همچنین تالیف بیش از ۶۰ مقاله و تصنیف ۱۲ کتاب علمی و اجتماعی و شرکت در بیش از ۸۰ کنگره ملی و بین‌المللی در داخل و خارج از کشور است. کرمانی متولد ۱۳۲۶ در اردبیل و متوفی ۱۳۹۹ در تهران است. دبیر کل اتحادیه جهانی زنان مسلمان مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، استاد فلسفه دانشگاه تهران و اولین زن دکترای فلسفه در ایران و فارغ‌التحصیل فوق دکترای فلسفه تطبیقی و کلام از دانشگاه کالیفرنیا آمریکا و همچنین اولین زن رایزن فرهنگی ایران در یونان بوده است.

دکتر لعبت گرانبایه

متولد ۱۳۴۳ در شهرستان محلات میباشد، از ۸ سالگی که پدر خود را از دست دادند مادرشان، نقش پدر را هم برای ایشان داشتند، روحیه فداکاری و از خودگذشتگی را از همان کودکی از مادرش فرا گرفت، در سال ۱۳۶۱ تحصیلات عالی خود را در رشته پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران آغاز و بعد از کسب مدرک

پزشکی عمومی، رشته جراحی عمومی را به عنوان شاخه تخصصی خود انتخاب کرد و در سال ۱۳۷۳ به عنوان متخصص جراحی عمومی مشغول فعالیتهای درمانی و آموزشی شد. تمامی مولفه های تربیتی مادرشان و همچنین رفتار و منش برادرشان که در نهایت به مقام شهادت رسیدند، روحیه ایثار و مسئولیت پذیری را به ایشان آموختند و موجب شد، ایشان علاقمند به ارائه خدمات داوطلبانه در مناطق محروم شوند.

دکتر لعبت گرانیپایه در سال ها فعالیت خود، خدمات خیرخواهانه بی شماری را به ثمر رسانده و با سازمان ها، گروه ها و زنجیره های خیرین پزشکی و درمانی همکاری نزدیکی داشته اند، ایشان اینک یکی از اعضای تیم مدد (مجمع داوطلبان درمانگر) و رئیس انجمن سبا (انجم سلامت بانوان) است. دکتر گرانیپایه همراه با گروه مدد ۳۰ سفر به مناطق محروم و نقاط دور افتاده کشور داشتند، در این مناطق بیش از ۵۴ هزار ویزیت و بیش از ۱۵۰۰ جراحی انجام شده است. که در حدود ۳۳۲ مورد از این جراحی ها را شخص ایشان انجام دادند و از طریق انجمن سبا (انجمن سلامت بانوان) نیز بیش از ۷۸ کارگاه پیشگیری از سرطان پستان در تهران و شهرهای مختلف برگزار کرده اند.

دکتر لعبت گرانیپایه عضو هیئت علمی و استاد دانشگاه تهران نیز می باشند در سال ۱۳۹۵ عنوان بانو برگزیده جایزه گوهرشاد را از آن خود کرده اند و همچنین در سال ۱۳۹۷ براساس یک نظر سنجی عمومی طبق آرا مردمی، سومین رتبه را از میان ۱۱ تن از چهره های علمی، فرهنگی، به خود اختصاص دادند.

دکتر مریم اسلامی

مریم اسلامی پزشک و مشاور ژنتیک از دانشگاه علوم پزشکی هاروارد آمریکا که عضو هیئت رئیسه علمی دانشگاه و دارنده مدال های طلا است. وی موفق به کسب دیپلم های افتخار و عناوین برترین مخترع زن سال ۲۰۰۸ از سازمان جهانی مالکیت معنوی سازمان ملل متحد است.

از این دست زنان که به افتخارات بالا رسیده و تاریخ ساز شده اند، در کشور کم نداریم. آنها بهترین الگو برای دختران و تمامی مردم این مرز و بوم هستند، زنانی که توانسته اند با تلاش خود توانسته اند به تمام جهان استعداد و حقانیت خود را ثابت کنند.

نتیجه گیری

بررسی تاریخی جایگاه و نقش زنان در تمدن اسلامی-ایرانی، گویای تحولی بنیادین است که در پرتو تعالیم قرآن و سنت نبوی پدید آمد. اسلام در عصری که زن در بسیاری از تمدن های بشری، موجودی پست و فاقد شخصیت حقوقی و اجتماعی قلمداد می شد، با نزول آیاتی که خطاب های الهی را متوجه هر دو جنس

مؤمن ساخت، و با قراردادن سوره‌ای مستقل به نام «نساء»، گام‌های بلندی در جهت احیای کرامت انسانی زن برداشت. قرآن، زن را در گوهر ایمان و تقوا هم‌تراز مرد معرفی کرد (مانند آیه ۳۵ احزاب و آیه ۷۱ توبه) و با اعطای حق مالکیت، استقلال اقتصادی، حق بیعت، امان‌دادن و حضور در عرصه‌های سیاسی، نظامی و فرهنگی، محدودیت‌های تحمیلی عصر جاهلیت را یک‌باره فرو ریخت.

با ورق‌زدن تاریخ صدر اسلام، به‌روشنی می‌توان دریافت که زنانِ صحابی، نه‌تنها در غزوات و جهادهای دفاعی به مداوای مجروحان، آبرسانی و گاه نبرد مستقیم می‌پرداختند، بلکه در عرصه‌های کلان تصمیم‌گیری، مشورت‌دهی و پناه‌دهی سیاسی، حضوری ماندگار داشتند. بیعت‌های زنان در عقبه و حدیبیه، امان‌دادن بانوانی چون ام‌هانی و زینب به مخالفان، و نقش‌آفرینی همسران پیامبر در حوادث حساسی چون صلح حدیبیه و ماجرای فدک، مؤید آن است که مشارکت سیاسی زنان از نگاه قرآن و سیره، نه‌تنها ممنوع نبود، بلکه در زمره حقوق و وظایف اجتماعی مؤمنان قرار داشت. با این حال، عوامل گوناگونی چون سیاست‌های خلافت پس از پیامبر (ص)، نزاع‌های فرقه‌ای، انسداد اجتهاد، حاکمیت تفکر مردسالارانه، و غلبه جریان‌های صوفی‌زده اخباری‌گر، به تدریج سهم زنان را در تاریخ‌نگاری علمی و سیاسی به حاشیه راندند؛ چنان‌که در مقایسه منابع رجالی، شمار راویان زن در برابر مردان ناچیز می‌نماید و در بیشتر تواریخ و تراجم، تنها اشاراتی مختصر به همسران و دختران پیامبر و شمار اندکی از زنان نام‌آور دیده می‌شود، درحالی‌که طبقات ابن‌سعد و الاصابه ابن‌حجر نشان می‌دهد در سده نخست، زنان صاحب‌روایت و موضع‌گیری سیاسی کم نبوده‌اند.

این غفلت‌تاریخی، البته هرگز به معنای نابودی هویت علمی و اجتماعی زنان مسلمان نبود. ظهور شخصیت‌هایی همچون حضرت زهرا(س) و زینب(س) در عرصه اعتراض، افشاگری و دفاع از حق، الگویی ماندگار از مقاومت و بصیرت را برای همه نسل‌ها ترسیم کرد. ام‌سلمه نیز با نقل احادیث و همراهی سیاسی با امام علی(ع) و فرزندانش، خط مشی وفاداری به امامت و حق را پاس داشت. در دوران معاصر، انقلاب اسلامی ایران نشان داد که با بازخوانی ناب آموزه‌های دینی، زنان می‌توانند هم‌دوش مردان، در بزرگ‌ترین تحولات سیاسی نقش‌آفرینی کنند. بانوانی چون شهیده «محبوبه دانش آشتیانی»، «مرضیه دباغ»، «منیره گرجی‌فرد» و «زهرا صفاتی»، که برخی به درجه اجتهاد رسیدند و برخی در زندان‌های ساواک به فیض شهادت نایل آمدند، ثابت کردند که درخت تناور تمدن اسلامی، همواره از ریشه‌های خود در توانمندی و پایمردی زنان سیراب شده است.

در عرصه علم و دانش نیز زنان ایرانی امروز، ادامه‌دهنده همان مسیری هستند که نیاکانشان چون ستیته المحاملی، مریم اسطرلابی و رابعه‌ی عدویه در آن گام نهادند. انتخاب پروفیسور «مریم رزاقی‌آذر» به‌عنوان برترین پزشک غدد کودک جهان، دفاع جانانه‌اش از هویت ملی خلیج‌فارس در برابر فشارهای سیاسی

بین‌المللی، و نیز درخشش بانوانی چون «ناهید پوررضا»، «طوبی کرمانی»، «فائزه کاشانیان» و «لعبت گران‌پایه» در رشته‌های نانو، پزشکی، فلسفه و کارآفرینی، نشان می‌دهد که بازگشت به گوهر اسلامی، نه تنها مانع پیشرفت علمی و اجتماعی زنان نیست، بلکه آنان را به چنان قله‌هایی می‌رساند که نه خفقان استبداد پهلوی توانست متوقفشان کند و نه فشارهای سیاسی خارجی از پایشان بنشانند.

بنابراین، آنچه از بررسی نقش و جایگاه زن در تمدن اسلامی-ایرانی برمی‌آید، یک حقیقت دوگانه است: از یک سو، اسلام ناب و قرآنی، کرامت و حقوق سیاسی، اقتصادی و علمی زن را در بالاترین سطح به رسمیت شناخت و زمینه مشارکت همه‌جانبه او را در مدینه فاضله فراهم آورد؛ از دیگر سو، عواملی همچون تحریف در تاریخ‌نگاری، سیطره تفسیرهای مردسالارانه، و غفلت از ظرفیت‌های بی‌نظیر زنان در فرازهای تاریخی، سبب شد که این نقش در بسیاری از دوره‌ها کمرنگ جلوه کند. برای جبران این کاستی، سه راهکار اساسی پیش روی پژوهشگران و جامعه است: نخست، بازآفرینی روایت‌های تاریخی با تکیه بر منابع کهن و کاوش دقیق در تراجم و احادیثی که نشان از حضور پرشور زنان دارد؛ دوم، احیای اجتهاد پویا و بازخوانی انسان‌شناختی اسلامی که بتواند بین «تفاوت تکوینی» و «تبعیض حقوقی» تفکیک قائل شود؛ و سوم، الهام‌گیری از الگوی زن مسلمان انقلابی که در عین پای‌بندی به حجاب و حریم‌های الهی، در حساس‌ترین عرصه‌های علمی، سیاسی و اجتماعی، حضوری فعال و تأثیرگذار دارد. امروز، زنان دانشمند و مجاهد ایران زمین، با تکیه بر این میراث نورانی، نه تنها در مدارس و دانشگاه‌ها، بلکه در محافل بین‌المللی و مراکز علمی جهان، پرچم تمدن اسلامی را برافراشته‌اند و نشان داده‌اند که «زن مسلمان ایرانی»، با حفظ عفت و کرامت، می‌تواند همزمان، مادری فداکار، همسری همراه، عالمی پژوهشگر و مبارزی استوار در راه حق باشد. آینده تمدن اسلامی، بی‌تردید، به بازشناسی این نقش بی‌بدیل و تداوم نهضت علمی و معنوی زنانی گره خورده است که در سایه قرآن و عترت، تاریخ را می‌سازند.

منابع منابع فارسی

ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبه الله (۱۳۸۳ق)، شرح نهج البلاغه، (تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم)، چ دوم، بیروت: داراحیاء الكتب العربیه.

ابن حجر. (۱۴۰۴ق). تهذیب التهذیب، بیروت: دار الفکر.

ابن حجر. (۱۴۱۵ق). الاصابه فی تمییز الصحابه، بیروت: دارالکتب العلمیه.

ابن قتیبه دینوری، عبدالله بن مسلم، (۱۳۲۲ق)، الامامة و السياسة، (تصحیح و شرح محمد محمود الراقعی)، مصر: مطبعة النيل.

ابن ماجه، محمد بن یزید قزوینی. (بی تا). السنن، تحقیق محمد فؤاد عبدالباقي، بیروت: دارالفکر للطباعة.

ابن منظور، محمد ابن مكرم. (۱۴۰۵). لسان العرب، مصر، دار احيا التراث العربي، ج ۱۲، ۵۰۲.
ابن قتيبه، عبدالله بن مسلم. (۱۴۲۴ق). عيون الاخبار، شرح و ضبط و تعليق يوسف علي طويل،
بيروت: دارالكتب العلميه.

ابوريه، محمد. (۱۳۸۳ق). اضواء السنه المحمديه، بي جا. نشر البطحاء.
اقبال، محمد. (۱۳۳۶). احياء فكري ديني در اسلام، ترجمه احمد آرام، تهران: بي نا.
الجوزي، ابن قيم. (۱۴۱۵). زاد العماد في هدى خير العباد، بيروت، دارالفكر، ج ۲، ص ۵۱
الهي. (۱۳۹۱). نقد پارادايمي رويکرد سنتي به نقش اجتماعي زن مسلمان»، مجله حوزه، شماره پيايي
۱۶۴.

باستاني پاريزي، ابراهيم. (۱۳۸۲ش/۲۰۰۳م). گذر زن از گذار تاريخ، تهران: نشر كيانا.
بخاري، محمد بن اسماعيل. (۱۴۰۱ق). الصحيح، بيروت: دارالفكر للطباعة و النشر.
بلاذري، ابو الحسن. (۱۴۱۷). جمل من انساب الاشراف، بيروت، دارالفكر، ج ۶، ص ۸۰
جانعلي زاده چوب بستي، حيدر و لادن رهبري. (۱۳۹۳). موقعيت و نقش زنان مسلمان در علم،
مقايسه تاريخي ايران و غرب» فصلنامه توسعه اجتماعي، دوره ۸، ش ۲.
حضرتي، حسن. (۱۳۸۶). «فهم علل و عوامل افول جاياگاه زن در ايران اسلامي» مجله بازتاب اندیشه،
۱۳۸۶، ش ۹۳.

حيدري، حسن؛ ابراهيمي نسب، يوسف. (۱۳۸۹). جاياگاه زن در گذر تاريخ و سيري در حقوق آن،
فصلنامه علمي پژوهشي زن و فرهنگ. سال دوم. ش ۵.
خان محمدي، كريم. (۱۳۷۸). تفكرات نظري پيرامون تنزل جاياگاه زنان در جوامع اسلامي» مجله
علوم سياسي دانشگاه باقرالعلوم (ع)، ش ۷.
خلعتبري، بهادري. (۱۳۸۸: ۹). «نگاهي انتقادي به جاياگاه زن ايراني در متون كهن فارسي از طاهريان
تا خوارزمشاهيان»، مشكوه، ش ۱۲.
دورانت، ويليام جيمز. (۱۳۷۸ش). تاريخ تمدن، ترجمه احمد آرام و ديگران، تهران: انتشارات علمي و
فرهنگي.

سبحاني، جعفر. (۱۴۱۸ق). طبقات الفقهاء، قم: مؤسسه تحقيقات و نشر معارف اهل بيت.
سجادي، سيد علي محمد و ديگران. (۱۳۸۷). «زن و هبوط»، مجله شناخت، ش ۵۷.
سيد الاهل، عبدالعزيز. (۱۴۰۰). «طبقات النساء»، منبر الاسلام، ش ۱، ص ۵۰.
شيخ صدوق. (۱۳۸۵). علل الشرايع، مؤسسة اعلمي للمطبوعات، ج ۲، ص ۲۱۸.
- طباطبائي، محمد حسين. (۱۳۷۴). الميزان، ج ۲، ترجمه موسوي همداني، قم: دفتر انتشارات اسلامي.

طبری، محمد بن جریر (بی تا)، تاریخ طبری، بیروت: موسسه الاعلمی.

عاملی، سیدجعفر مرتضی (۱۴۱۵ق)، الصحیح من سیرہ النبی، چ چهارم، بیروت: دارالهدی، دارالسیره .

عزیزی، حسین (۱۳۹۴) جایگاه علمی زنان در تاریخ نگاری مسلمانان، پژوهش‌های تاریخی، دوره جدید، شاول. -دورانت، ویلیام جیمز (۱۳۸۸). تاریخ تمدن، ترجمه عباس زریاب خوئی، ج ۷، نشر علمی و فرهنگی، تهران.

عزیزی، حسین. (۱۳۸۴). مبانی و تاریخ تحول اجتهاد، قم: بوستان کتاب.

غروی نائینی، نهره، (۱۳۷۵)، محدثات الشیعہ، تهران: مرکز نشر دانشگاه تربیت مدرس.

کراچی، روحانگیز. (۱۳۹۰). هشت رساله در احوال زنان، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی - کریمی، حمید. (۱۳۸۵). حقوق زن، تهران، کانون اندیشه، ص ۱۶۴

گلی، ایران. (۱۳۶۰). پاسخی به تاریخ مذکر»، مجله آرش، ۱۳۶۰، ش ۲۷.

لوئیس، برنارد. (۱۳۷۰). بنیادهای کیش اسماعیلیان، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران، ویسمن. -رضایی، عبدالعلی، (۱۳۹۱)، مهندسی تمدن اسلامی، کتاب فردا.

مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، بحارالانوار، چ دوم، بیروت: موسسه الوفاء.

محلاتی، ذبیح‌الله (بی تا)، ریاحین الشریعہ در ترجمہ بانوان دانشمند شیعہ، ایران: دارالکتب الاسلامیہ

مطهری، مرتضی (۱۳۸۳). مجموعه آثار، ج ۱۹، تهران: انتشارات صدرا.

نوال السعداوی و هبه رئوف عزت. (۱۳۸۴). زن، دین و اخلاق، ترجمه زاهد ویسی، تهران: نشر بین الملل.

نیشابوری، مسلم بن حجاج. (بی تا). الصحیح، بیروت: دارالفکر.

یاسری، زینت، اخوان نیلچی، نفیسه. (۱۳۹۶). تبیین الگوی مفهومی نقش آفرینی زنان در تحقق تمدن نوین اسلامی. دوفصلنامه مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، دوره ۱، ش ۲.